



فراسو

نگاهی جامعه‌شناسانه
به مسائل روز ایران و جهان
سال اول؛ شماره یکم؛ تابستان ۱۴۰۰

بنام خدا

زَن در اسلام زَنده، سازنده و رزمنده
است؛ به شرط آن که لباس رزمش،
لباس عفتش باشد.

شهید بهشتی

فراسو

نگاهی جامعه‌شناسانه به
مسائل روز ایران و جهان

نشریه دانشجویی فراسو

سال اول؛ شماره یکم؛ تابستان ۱۴۰۰

محوریت این شماره: زنان

صاحب امتیاز:

انجمن علمی جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مدیر مسئول:

اکبر شجاعی علی‌آبادی

سر دبیر:

معصومه شریفی علیانی

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی:

مرکز هنری صور

هیئت تحریریه:

فاطمه پورعلی، حدیثه کریمی، مرضیه فتحی،

زهرا صفری، معصومه شریفی

**صمیمانه قدردان
همراهی تان هستیم؛**

انسبیه کاظم‌لو، آرزو یاری‌زارع، زهرا شاه‌مهدی، اکبر شجاعی علی‌آبادی،
معصومه شریفی علیانی، فاطمه یونسی، زهرا فلاح، مریم سلیمانی،
نگین علیخانی، فاطمه پورعلی، محمد خرازی، نسیم سماواتی،
امیرحسین شاه‌محمدی، زهرا صفری، مرضیه فتحی،
حدیثه کریمی، فاطمه محمدی، علی کلانتری
خانم دکتر موالی زاده، آقای توحید رضائی،
خانم دکتر لیلا حاجی‌آقایی، دکتر لیلا علوی، دکتر مرتضی قلیچ
و تشکر از کسانی که مارا یاری کردند.

فهرست

۲۱ تن فروشی در ایران، قربانی بیماری و اعتیاد

نگین علیخانی، مریم سلیمانی
روسیپگری یکی از آسیب‌های اجتماعی است که همه‌گیر شدن بیماری‌های مقاربتی و از هم پاشیدگی خانواده‌های مصرف‌کنندگان خدمات جنسی از جمله مهم‌ترین پیامدهای آن می‌باشد.

۲۸ فضای مجازی؛ فروشگاه تن فروشی

نسبیه سماواتی
فضای مجازی بستر مساعدی را برای تبلیغات و گسترش تجارت فراهم نموده است. امروزه در فضای مجازی شاهد بازاریابی توسط ارائه‌دهندگان خدمات جنسی هستیم....

۳۰ کمیته‌امداد: نهادی برای زنان فقیر و آسیب‌دیده

امیر حسین شاه محمدی
کمیته‌امداد امام‌خمينی (ره) یک نهاد عمومی است که با هدف یاری رساندن به محرومان و خودکفا کردن آنها از سال ۱۳۵۷ شروع به فعالیت نموده است.

۳۳ اینجا سینماست!

محمد خرازی
اینجا سینما است و باید ظرفیت‌ها را شناخت و باید بدانیم چگونه می‌توان روی این پرده‌نقره‌ای بیانی داشت.

۳۶ ناموس مرد، غیرت مرد!

دکتر لیلا حاجی‌آقایی
می‌خواهیم بدانیم واژه‌ی ناموس که تا حدی هم متداول و معمول در جامعه‌ما هست دقیقاً چه مفهومی دارد؟!

۳۹ گفت و گو با توحید رضایی

وکیل پایه یک دادگستری

۴۴ گفت و گو با الهه موالی زاده

جامعه‌شناس و فعال حقوق زنان

۱ سخن سردبیر

معصومه شریفی
مفتخریم در شماره اول نشریه فراسو با موضوع (زن، فقر و فحشا) اندک زمانی را با شما دوستان همراه باشیم.

۳ زنان و جهان مدرن

فاطمه محمدی، حدیثه کریمی
زن از ابتدای زندگی اجتماعی بشر همواره مورد توجه بوده است. همواره باورها و عقاید و الگوهای رفتاری و کلیشه‌های فرهنگی که در جامعه وجود داشته، بر روی زنان و باورمندی زنان از توانایی‌هایشان تاثیر گذاشته است.

۶ زنان در جامعه معاصر ایرانی

فاطمه پورعلی
زنان نقشی بی‌بدیل در فعالیت کلی جامعه بازی می‌کنند. آنها ستون فقرات زندگی فرآیندهای درون جامعه هستند.

۱۱ زن، فمینیسم، فحشا

مرضیه فتحی
فحشا را می‌توان به عنوان برآوردن خواهش‌های جنسی در برابر پول تعریف کرد. میان معشوقه‌ی مزد بگیر که دلیل اصلی او برای ارزانی داشتن دسترسی جنسی به حامی‌اش پولی است که به او پرداخت می‌شود و روسپی‌گری بدین گونه، تفاوت آشکاری وجود ندارد.

۱۸ روسپیگری در دنیا چگونه معرفی شده؟

زهرا صفری
در دنیایی که مردان نسبت به زنان حقوق بیشتری دارند، شاید فحشا تنها راهی باشد که بیشتر زنان فاقد حامی را قادر به ادامه حیات سازد.

سخن سردبیر

معصومه شریفی

sh.masuomeh1998@gmail.com



با حمد و سپاس از خدای متعال و با عرض سلام و ادب و احترام به مخاطبان گرامی؛ مفتخریم در شماره اول نشریه فراسو با موضوع (زن، فقر و فحشا) اندک زمانی را با شما دوستان همراه باشیم. با توجه به اینکه امروزه جامعه ما با مسائل مختلفی درگیر است. نشریات دانشجویی می توانند نقش بسیار زیادی در راهبرد مسائل حیاتی جامعه داشته باشند. سعی بر آن شده تا با بررسی حقوقی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی درباره مسئله زن، شماره اول نشریه مورد رضایت شما مخاطبین عزیز باشد.

آنچه در پیش رو داریم نتیجه تلاش و همکاری دوستان ما در این نشریه هست که صورت گرفته و صد البته نشریه فراسو ادعای خاصی در این زمینه ندارد.

و اما مسئله زن، همچنان مهم و مورد توجه... نه فقط در جامعه ما حتی در جوامع بسیار پیشرفته هم هست و با این سطح از توسعه احساس می شود که جنس زن همچنان آن‌طور که باید مورد توجه نیست، جامعه ی مورد نظر ما ایران عزیز است و ما حول محور زنان سرزمین مان سخن خواهیم گفت.

جایگاه زن ایرانی فراز و فرود بسیاری داشته و در غالب دوره‌ها مردسالاری حاکم بوده است ... سرزمین مان البته در دوره های اوج کم زن اسطوره نداشته، زنانی که چون مردان همتای خود برای اهداف و الایشان جنگیدند و افتخار آفرینی کردند. همچو آرتمیسیس، همچو ماندانا. می خواهیم درباره جامعه معاصر و جهان مدرن صحبت کنیم. بحث این شماره از نشریه ما به مصائب و مشکلات زنان امروز اشاره دارد و موضوع ما درباره این دوره و این زمان خواهد بود که ادعای عدالت در این دوره بی شمار به گوش می رسد. در روزگار ما زن ایرانی اگر بیوه زنی باشد و بخواهد در جامعه قدم بردارد، جامعه مردسالار چند قدم به سوی او برمی دارد؟!

در جامعه اسلامی ما، زن جامعه ما چقدر امنیتش تامین می شود؟! چقدر از زنان و دختران ما آرامش جنسی را تجربه می کنند؟! اگر بگذریم از حقوق ناچیز و رفاهی که تامین نمی شود، از نگاه‌های خشونت آمیز به او چگونه بگذریم؟!

دختر سرزمین ما همان که در مرد سالاری روزگار امروز، دچار خفقان شد و کمتر نهادی امروزه او را از حق و حقوق خفته‌اش آگاه می کند و جاهلانی که با نام غیرت داس بر گلوی او می گذارند و در اینجا فاجعه وحشتناک قتل‌های ناموسی رخ می دهد. اصلاً بیایید ببینیم ناموس به چه معناست؟! آیا واژه غیرت امروزه به انحراف کشیده نشده؟ رسانه‌ها زن را چگونه معرفی می کنند که منجر به بوقوع پیوستن ناهنجاری‌ها علیه زنان و رواج اندیشه مردسالاری می شود؟!

بیایید کمی پایین تر برویم، پایین تر از خط فقر زنانی زندگی می کنند که کنار خیابان‌ها امرار معاش می کنند. آنها هر روز به ناکجا آباد می روند، بیچارگانی هستند که از سر اجبار روزگار تن به روابطی می دهند که نه خدا را خوش می آید و نه شأنی برای زن باقی می گذارد. زن سرزمین من که زیر خط منحوس فقر زندگی می کند قربانی جامعه دوقطبی شده که در آن سیرها و خیلی سیرها و گرسنه‌ها و خیلی گرسنه‌ها با هم زندگی می کنند. جامعه‌ای که در آن فحشا جرم است اما اصل و اساس آن و بنیاد آن، فقر، متداول و معمول.

می خواهیم بدانیم در ایران، سرزمین مان چه حق و حقوقی بر اساس موازین اسلامی تدوین شده که حامی زن در جامعه باشد آنگاه که بنا بر حوادثی سرپرست خانوار باشد؟! ما موضوع را بی پرده درباره زنان به قول گافمن داغ خورده می نویسیم تا بدانیم بالای خانمان سوز فقر و فحشا چه بر سر او می آورد.

با ما همراه باشید.

زنان و جهان مدرن



فاطمه محمدی، حدیثه کریمی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

زن از ابتدای زندگی اجتماعی بشر همواره مورد توجه بوده است. همواره باورها و عقاید و الگوهای رفتاری و کلیشه‌های فرهنگی که در جامعه وجود داشته، بر روی زنان و باورمندی زنان از توانایی‌هایشان تاثیر گذاشته است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های زن، نقشی است که در خانواده ایفا می‌کند، اما در طول تاریخ دیگر نقش‌های یک زن در جامعه در پس این نقش او پنهان شده است. البته تردیدی نیست که خانواده از ارکان مهم جامعه است و محور اساسی رشد و تعالی انسان به شمار می‌رود.

تا قبل از اواخر دهه ۱۹۶۰ حضور زن در جامعه و به طور کلی بحث جنسیت در نوشته‌های علمی کم‌تر مطرح بود، اما از اواخر سال ۱۹۶۰ حضور زن در جامعه بیشتر شد. یکی از دلایل آن وجود جنگ‌ها بود که زنان به جای مردانی که به جنگ رفته بودند، کار می‌کردند و بعد از پایان جنگ حاضر نشدند کار خود را رها کنند و اینکه جنبش‌های فمینیسم و مجادله‌هایی که زنان در راه طلب حقوق خود انجام دادند باعث شد که نویسندگان در نوشته‌ها و بحث‌های اجتماعی و تاریخی خود از زنان نیز یاد کنند. هریت مارتینو که به تعبیری نخستین زن جامعه‌شناس به معنای امروزی به شمار می‌آید هم عصر کنت بود و زمانی که اثر مهم او جامعه در آمریکا به چاپ رسید (۱۸۶۸) امیل دورکیم ده سال داشت و ماکس وبر چهار ساله بود.

سال‌ها پیش از آن که تالکوت پارسونز و سی‌رایت میلز صحنه جامعه‌شناسی آمریکا را تسخیر کنند زنان فرهیخته‌ی بسیاری در دنیای انگلیسی‌زبان در زمینه موقعیت زن در جامعه قلم زده بودند و در فرانسه اثر عظیم فلسفی سیمون دوبووار جنس دوم (۱۹۴۹) که گزارشی همه‌جانبه از موقعیت زن در جامعه به شمار می‌آید انتشار یافته بود. این همه راه را برای ورود جدی مقوله جنسیت به مباحث علمی هموار نکرده بود. گویی جهان علم در انتظار نابسامانی‌های اجتماعی تازه تری بود تا اینکه جورج ریتزر خواب شیرین مردان محافظه‌کار را برآشوبد و چشم آنان را در پی شناخت علل این نابسامانی‌ها بر نیمه پنهان جامعه بگشاید. این فرصت ظاهراً در دهه ۱۹۶۰م دست داد.

در غرب کمتر از صد سال است که افراد و سازمان‌های مختلف، حقوق زن را مورد توجه قرار داده‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۷۹؛ ۱).

در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل طرحی با عنوان کنوانسیون امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان را به تصویب رساند. اما باز هم با توجه به این تلاش‌ها شاهد تبعیض و خشونت علیه زنان هستیم در کل، در جوامع اغلب سنتها و هنجارها به طوری نهادینه شده‌اند و طبیعی به چشم می‌آیند که منجر به نابرابری حقوق زن و مرد می‌شوند و این رفتارها که در روزمرگی افراد هم مشاهده می‌شود تبدیل به بایدها و نبایدها و ایجاد مرزهایی برای زنان می‌شود که این مرزبندی‌ها و بایدها و نبایدها در کشورها و فرهنگ‌ها متفاوت است.

در قرن ۲۰ برای اولین بار مسئله حقوق زن در برابر حقوق مرد عنوان شد کشور انگلستان که قدیمی‌ترین کشور دموکراسی به شمار می‌رود. فقط در اوایل قرن ۲۰ برای زن و مرد حقوق مساوی قائل شد (الله وردی زاده، ۱۳۹۱؛ ۲).

در این کشور درخواست طلاق از طرف زنان با ارائه دلایلی همچون مرتکب شدن شوهر به زنا، ترک کردن زن به مدت دو سال و جدا زندگی کردن زوجین و توافق هر دو برای طلاق می‌باشد.

کشور چین قوانینی دارد که زن و مرد در تمامی عرصه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی حقوقی کامل داشته باشند و حقوق یکسان دریافت کنند. در این کشور تک‌همسری نهادینه شده اما همچنان مبادله دختر انجام می‌شود و پول در میان است (همان؛ ۶).

در کشور ترکیه خشونت علیه زنان و قتل آنان افزایش یافته است و تعداد زنان فعال در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی بسیار کم است.

در کشور فرانسه قانون معتقد است در تمامی زمینه‌ها حقوق برابر با مرد را برای زن تضمین می‌کند در حالی که طبق مواد ۲۱۵ و ۲۱۷ قانون اساسی زن همسر دار نمی‌تواند بدون اجازه و امضای همسرش هیچ عمل حقوقی انجام دهد و هرگونه معامله او محتاج به اجازه همسر است و اگر همسر او نخواهد می‌تواند این اجازه را را به او ندهد.

در کشور عربستان زن یکی از اموال مرد محسوب می‌شود و یک نوع اجماع فرهنگی به موضوع جرم محسوب شدن خشونت علیه زنان وجود دارد (الله وردی زاده، ۱۳۹۱؛ ۸) و گفته می‌شود با زیر سلطه قرار گرفتن کشور توسط وهابیون به شیء‌انگاری زنان روی آوردند (ایل زکی، ۱۳۹۶).

در آمریکا در سال ۱۹۲۰ بعد از جنگ جهانی اول در ۱۹مین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مبنی بر اعطای حق رای به زنان به تصویب رسید. در آمریکا سالانه بیش از ۵۰ هزار تجاوز به زنان و دختران بالای ۱۲ سال انجام می‌شود پایگاه اطلاع‌رسانی ساندویژن می‌نویسد سایر خشونت‌ها علیه این گروه از جامعه بیش از ۸/۳ میلیون مورد است. با اینکه آمریکا جز نخستین کشورهایی بود که قانون اساسی مدرنی داشت در سال‌های پایانی قرن ۱۸ تصمیم بر اجرایی کردن آنان گرفت. اما زنان تا سال‌های آغازین قرن ۲۰ نتوانستند حق مشارکت سیاسی را از طریق داشتن حق رای کسب کنند (ستاری، بلندیان؛ ۱۳۹۳).

در قانون اساسی کشور آلمان آمده است که همه انسان‌ها با وجود تفاوت‌هایی مثل نژاد، جنسیت، اعتقادات مذهبی و سیاسی دارای حقوق یکسان هستند.



طبق آخرین گزارش ملی کشور آلمان به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان موارد نقض حقوق زنان در این کشور شرح داده شده:

زن در رسانه و تبلیغات یک شی جنسی نشان داده می شود، دستمزد زنان و مردان یکسان نیست و فرصت شغلی برابر ندارند زنان مهاجر و زنان متعلق به اقلیت مورد آزار و اذیت قرار می گیرند.

تنها ۶ کشور اروپایی قائل به برابری حقوق زنان و مردان هستند و اقداماتی در این رابطه انجام داده‌اند که شامل کشورهای چوون: دانمارک، فرانسه، لتونی، بلژیک، لوکزامبورگ و سوئد می‌باشد. در میانگین جهانی سه چهارم از جمعیت زنان در کرهٔ خاکی دارای حق برابر با مردان هستند (euronews، ۲۰۱۹). امروزه با بسط و حدود مسئولیت و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، وضعیت حقوقی زنان منحصراً به حقوق داخلی و دولت محدود نمی‌شود همکاری بیشتر دولت‌ها و سایر بازیگران مدنی این روند را تشریح خواهد کرد.

”

۱. ایل زکی، اعظم (۱۳۹۶).
- سایهٔ وهابیت به حقوق زنان عربستان، فصلنامه پژوهشنامه حقوق بشری، دوره ۳، شماره ۸.
۲. الله وردی زاده، حمید (۱۳۹۱).
- بررسی تطبیق حقوق زن در متون جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها،
۳. خبرگزاری euronews، ۲۰۱۹.
۴. ستاری، الهام. بلندیان، غلامحسین (۱۳۹۴).
- تأثیر حقوق زنان در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران؟
۵. پاملا، آبوت. کلر، والاس (۱۹۹۰). جامعه‌شناسی زنان (منیژه نجم عراقی) تهران: نشر نی.



نتایج

زنان در جامعهٔ معاصر ایرانی



فاطمه پورعلی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

زنان نقشی بی بدیل در فعالیت کلی جامعه بازی می‌کنند. آنها ستون فقرات زندگی فرآیندهای درون جامعه هستند. زنان نقش‌های متعددی نظیر مراقب، نان آور، مدیر، مادر، همسر، سرپرست و غیره را بر عهده دارند. این امر اهمیت بسیار دارد که متوجه باشیم زنان شالوده‌هایی هستند که خانواده بر اساس آن بنا شده است. با این حال که نصف جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند و حضورشان در جامعه اهمیت زیادی دارد اما نگرش‌های شایع نسبت به زنان آنچنان رضایت بخش نیست و نشان از بی عدالتی و کم‌لطفی به زنان است.

نگرش‌های شایع در جامعه نسبت به زنان

- کشتن نوزادان دختر و جنین دختر
- ترجیح بچه‌های پسر
- رفتار جانب‌دارانه جنسیتی در کودکی و نوجوانی
- مرگ والدین، برهم خوردن خانواده، فقدان روابط در خانواده، رها کردن و جدایی آنها را آسیب‌پذیر می‌کند.
- تضعیف توانایی‌های زنان به ویژه آنهایی که بی‌نهایت آسیب‌پذیرند.
- ارائهٔ تصویر نادرست و کلیشه‌سازی از زنان به ویژه زنان آسیب‌پذیری نظیر زنان بیوه، زنان مجرد یا زنانی که مورد استثمار جنسی قرار گرفته‌اند، با آنها بدرفتاری جنسی شده است، قربانی تجاوز و خشونت شرکای جنسی شده‌اند.
- ترسیم زنان در رسانه‌های همگانی به عنوان وسیله بر آوردن شهوت، امری که مشوق خشونت و بی‌رحمی علیه زنان می‌شود.
- تأکید بر این امر که آموزش برای کودکان پسر اهمیت بیشتری دارد.
- فقدان تدابیر قانونی برای اجرای اثربخش حقوق زنان، مراقبت و حمایت از آنان.



این نوع نگرش‌ها در جامعه عوارض اجتماعی و فرهنگی زیادی از جمله فرار از خانه، فقر و بی‌نوایی، رها شدن توسط خانواده، وادار شدن به تن‌فروشی و قاچاق زنان، مجرد و مطرود شدن زنان مطلقه، افزایش استفاده از مواد اعتیادآور، افزایش ازدواج‌های نامناسب و خشونت‌های خانگی، محرومیت از نیازهای اساسی و در نهایت استعمار بیشتر زنان آسیب‌پذیر را به دنبال دارد. زنان در جامعه ایران به چند شاخه اصلی تقسیم می‌شوند که شامل زنان (دختران) مجرد، زنان متأهل، زنان مطلقه و بیوه می‌شوند، که هر کدام از این گروه‌ها به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند. ولی در کل حساسیت در ایران بر زنان مجرد، مطلقه و بیوه بیشتر است؛ البته که مشکلات و دغدغه‌های زنان متأهل هم کم نیست اما گویی در جامعه ما صرفاً زنان متأهل وضعیت نسبتاً بهتری از دیگر زنان دارند.

در فرهنگ اسلامی-ایرانی، ازدواج و تشکیل خانواده به دلیل آثار فردی و اجتماعی بسیار مهم (همچون زمینه‌سازی جهت ارضای هدفمند نیاز جنسی، حصول آرامش و سکینت، شکوفایی برخی استعدادها، امکان‌یابی بیشتر برای تعالی معنوی و کمال نفسانی و تولید و تکثیر نسل صالح)، ارزش و اعتبار بلامنازع دارد. به همین دلیل ازدواج چه از لحاظ دینی، تاریخی و مردم‌شناختی امری مقدس و مورد تایید و حمایت واقع شده است. سنت ازدواج نیز همچون سایر الگوها و سبک‌های زیستی، در قرن اخیر عمدتاً تحت تأثیر روند مدرنیته شدن، تغییرات زیادی را در جنبه‌های فرمی، معنایی، ارزشی، هنجاری و کارکردی، تجربه کرده است؛ که این تغییرات در جامعه ایران هم به خوبی مشاهده می‌شود. افراد واجد شرایط سنی ازدواج در نسبت با امر زناشویی، همواره موقعیت و وضعیتی دوگانه دارند: تأهل یا مجرد.

تجرد نیز بسته به وضعیت افراد **دو حالت** دارد: مجرد ابتدایی (برای کسانی که تاکنون موفق به ازدواج نشده‌اند، دخترانی که به هر دلیل موفق به ازدواج به موقع به ویژه در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۹ سالگی نمی‌شوند که اگر تا آستانه ۴۵ و طبق برخی دیدگاه‌ها تا ۴۹ سالگی امتداد یابد، در عرف جمعیت‌شناسان، از آن به مجرد قطعی یاد می‌شود)؛ و مجرد ثانوی (برای کسانی که پس از دست کم یکبار ازدواج و تأهل، انتخاب یا تحمیل می‌شود).

تجرد ثانوی، دو مصداق عام دارد:

اول مجرد ناشی از طلاق و دوم مجرد ناشی از فوت یا شهادت همسر. (در واقع این مجرد زناشی را شامل می‌شود که بعد از یکبار ازدواج، به علت طلاق یا مرگ همسر، از تأهل رهایی یافته و به رغم تمایل و آمادگی، امکان ازدواج مجدد نیافته‌اند). همین گونه‌شناسی با محوریت تأهل نیز جریان دارد، یعنی زنان در نسبت با امر زناشویی سه گونه‌اند: کسانی که تاکنون موفق به ازدواج نشده‌اند؛ کسانی که ازدواج کرده و در حال حاضر متأهل هستند و کسانی که قبلاً ازدواج کرده و در ادامه زندگی به دلیل وقوع طلاق یا مرگ همسر مجدداً به جمع مجردان پیوسته‌اند. گفتنی است که در اصطلاح جمعیت‌شناسی، در صورتی که سن مجرد ابتدایی تا ۴۵ یا ۴۹ سالگی به طول انجامد، از آن به «تجرد قطعی» یاد می‌شود. مجرد قطعی به این معنا است که این دسته از زنان اولاً شانس چندانی برای ازدواج ندارند؛ ثانیاً، بر فرض موفقیت، ازدواج آنها تأثیری در روند باروری ندارد. مشخص است که بالا رفتن سن ازدواج و کاهش نرخ باروری، به تدریج تعادل در هرم جمعیتی کشور را برهم می‌زند (شرف الدین، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۴).

ضرورت تغییر نگاه خانواده و جامعه به مجرد

با این حال که در جامعه ما ازدواج و تأهل امری بسیار مهم تلقی می‌شود و ارزشی والا دارد؛ باید نگاه خانواده‌ها و جامعه به مجرد تغییر کند. هر فردی چه مجرد و چه متأهل با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و محیط زندگی خود با مشکلات و چالش‌هایی مواجه است که باید در جهت برطرف شدن این مشکلات و رسیدن به یک زندگی سالم تلاش کند. دختران مجرد نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

همچنین، نگاه خانواده‌ها و اطرافیان باید نسبت به مجرد تصحیح شود که همین موضوع می‌تواند تأثیر به‌سزایی در سلامت روانی افراد مجرد داشته باشد. حساسیت‌ها، سخت‌گیری‌ها و فشارهای خانواده و جامعه بر مجردها مخصوصاً دختران باعث به خطر افتادن سلامت روانی و جسمانی فرد می‌شود. دیدگاه بسیاری از خانواده‌ها این‌گونه است که خوشبختی و موفقیت زن را در گرو ازدواج و مادر شدن می‌بینند؛ همین نگاه، بار سنگینی را به دختران مجرد وارد می‌کند. این باور غلط باید اصلاح شود. اگر بتوانیم این نگاه را اصلاح کنیم خانواده‌ها نیز فشاری به این دختران وارد نمی‌کنند تا تحت هر شرایطی ازدواج کنند. این در حالی است که در حال حاضر خانواده‌ها هم بابت مجرد دخترشان تحت فشار هستند؛ چون مادر در هر جا حاضر می‌شود، از او راجع به ازدواج دخترش سؤال می‌پرسند و در این باره اظهار نظر می‌کنند، که همین صحبت‌ها موجب آزار پدر و مادر می‌شود و آن‌ها هم فشار مضاعفی روی فرزندشان وارد می‌کنند. گاهی می‌بینیم دو آدمی که مناسب هم نیستند با هم ازدواج می‌کنند تا از این فشارها رهایی پیدا کنند اما در واقع، زندگی ناموفق و آشفته‌ای برای خود رقم می‌زنند. ما باید قبول کنیم مجرد یک دوره مهمی از زندگی دختران است و به خاطر مجرد نباید دختران را مورد آزار کلامی قرار دهیم و با الفاظ ترشیده خطاب کنیم یا صرفاً به خاطر مجرد عیبی روی آنها بگذاریم؛ بلکه در این دوران باید سعی در ایجاد فضا و محیطی آرام و بدون تنش برای دختران باشیم، تا هر فرد بتواند با خیالی آسوده و بدون فشار از طرف خانواده و اطرافیان به آینده خود فکر کند و برای آن تصمیم بگیرد. با این کار خطاهای رایج در ازدواج خیلی کاهش پیدا می‌کند و سلامت روانی و جسمانی دختران مجرد هم فراهم می‌شود. حتی این فرهنگ‌سازی می‌تواند باعث ترویج ازدواج‌های درست و موفق شود و دختران مجرد ترسی از کمبود وقت، ازدواج و متاهل شدن نداشته باشند.

در جامعه امروز با توجه به مشکلات اقتصادی که همه با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم باید نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان را کاهش دهیم و از جملات کلیشه‌ای و بی‌منطق که جای زن فقط در خانه است و زن فقط باید به بچه و خانه داری اش برسد دوری کنیم.

زنان اصولاً به دلایل مختلفی از جمله استقلال مالی، کسب هویت اجتماعی، خدمت به جامعه و بهره‌مندی از تحصیل بالا و تخصص اقدام به یافتن شغل می‌کنند. اما شرایط برای رسیدن به این اهداف هموار نیست و مسائل و مشکلات زیادی بر سر راه زنان چه مجرد، متاهل، مطلقه و بیوه وجود دارد. زنان ممکن است در محل کار با مشکلاتی همچون مسائل خانه و بچه‌داری، ناسالم بودن محیط کار، تبعیض و نابرابری شغلی چه در زمینه دریافت حقوق و کارمزد و چه در زمینه پست و مقام و ساعات کار انعطاف‌ناپذیر و طولانی روبه‌رو شوند. از طرف دیگر هنوز در جامعه مانگرش سنتی و منفی نسبت به اشتغال زنان وجود دارد. البته در اینجا باید اشاره کرد که پدیده مردسالاری و عدم همکاری همسر در امور خانه هم به این موانع و مشکلات دامن می‌زند. به نوعی زنان هم قبل از ورود به حیطه کار با موانع سخت و آزاردهنده روبه‌رو هستند و هم در محیط کار بی‌عدالتی و موانع زیادی پیشرفت آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

همه این معضلات و مشکلات غیر قابل حل نیستند و بسیاری از این موانع با ساده‌ترین شیوه‌ها قابل حل و پیشگیری است. در جامعه امروز با توجه به مشکلات اقتصادی که همه با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم باید نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان را کاهش دهیم و از جملات کلیشه‌ای و بی‌منطق که جای زن فقط در خانه است و زن فقط باید به بچه و خانه‌داری اش برسد دوری کنیم. از آن طرف در محیط اشتغال هم باید اصلاحاتی از جمله رفع تبعیض‌ها و واگذاری مشاغل به متخصصان و ایجاد محیط مناسب شغلی برای زنان صورت گیرد؛ تا زنان به مدارج درخور و شایسته خود برسند و آزارهای کلامی یا جسمی حضور آنها را در اجتماع و محیط‌های شغلی خدشه‌دار نکند (خیرخواه و رفعت جاه، ۱۳۹۲).



۱. ابوالفضل، پریسا، ۱۳۹۷.
۲. مدرس حقوق دانشگاه ایت اله املی، پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا، شهریور ماه ۱۳۹۷
۳. آلن بدیو، در ستایش عشق، ۱۳۹۴.
۴. ترجمه مریم عبدالرحیم کاشی، انتشارات ققنوس
۵. آنتونی گیدنز، ۱۳۸۱.
۶. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
۷. بروس کوئن، ۱۳۹۵.
۸. مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل
۹. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، اردیبهشت ۹۳، رواج هشدار آمیز ازدواج سیاه
۱۰. حبیب پور گنابی، کرم و غلامرضا غفاری، ۱۳۹۰.
۱۱. علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۱، ص ۷-۳۴
۱۲. خانی هنجی، نجمه و هومن الوندی، ۱۳۹۶.
۱۳. عوامل موثر بر گرایش دختران به مانکنیسم، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره سوم، صفحات ۱۹-۴۵
۱۴. رستگار خالد، امیر و مهدی کاوه، ۱۳۹۲.
۱۵. زنان و پروژه زیبایی (مطالعه معانی ذهنی عمل جراحی زیبایی)، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴، ۴۵۳-۴۷۸
۱۶. رفعت جاه، مریم و فاطمه خیرخواه، ۱۳۹۲.
۱۷. مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، سال اول، ش ۲، ص ۱۳۰-۱۵۶
۱۸. سهراب زاده، مهران و همکاران، ۱۳۹۶.
۱۹. ازدواج سفید: انگیزه‌ها و زمینه‌ها، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال سوم، شماره نهم، صفحات ۱۸۹-۲۴۹
۲۰. شرف‌الدین، سید حسین، ۱۳۹۷، تاملی بر موضوع مجرد در زنان ایران، فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره اول، ش ۱، ص ۲۱-۴۴
۲۱. قانع عزآبادی، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۳، تجارب زیسته دختران مجرد ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ‌ننگ ناشی از مجرد، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره چهارم، ش ۲، ص ۳۰۵-۳۳۱
۲۲. محمودی، یسری و حسن محدثی گیلوانی، ۱۳۹۶، مطالعه جامعه‌شناختی صنعت بدن: مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای جراحی‌های زیبایی زنان ساکن شهر تهران، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۴، ۵۲۳-۵۴۷
۲۳. مرکز آمار ایران، چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۳۹۸
۲۴. نیازی، محسن و آمنه مرتضوی، ۱۳۹۴، بررسی و تحلیل اندیشه و نظریه‌های اروینگ گافمن، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی

زن فمینیسم فحشاء



مرضیه فتحی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

فحشا را می‌توان به عنوان برآوردن خواهش‌های جنسی در برابر پول تعریف کرد. میان معشوقهٔ مزد بگیر که دلیل اصلی او برای ارزانی داشتن دسترسی جنسی به حامی‌اش پولی است که به او پرداخت می‌شود و روسپی‌گری بدین گونه، تفاوت آشکاری وجود ندارد. اگرچه تفاوت اصلی این است که روسپی دسترسی جنسی را به خریداران متعدد می‌فروشد. واژه «روسپی» در اواخر قرون هجدهم متداول گردید. در دنیای باستان، اکثر کسانی که در برابر پاداش اقتصادی خواهش‌های جنسی را برآورده می‌کردند روسپیان درباری، معشوقه‌های خانگی یا کنیزان بودند. روسپیان درباری و کنیزان اغلب موقعیتی والا در جوامع قدیمی داشتند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۲۷).

فحشا سابقه‌ای در زمان‌ها و ادوار قبل داشته است. در تمدن یونان قدیم فاحشه‌ها معرف بخشی از بافت فرهنگی بودند، در فرانسه نیز (دوره ی ناپلئون) فاحشه‌ها، زنان هنرمند و تحصیلکرده‌ای بودند که خیلی از مردان آن‌ها را تمجید کرده و مشتاق بودند آنان را به عنوان همسر انتخاب کنند. در جوامع دیگر زنان روسپی «محافظ» خانواده بودند، بدین معنا که به منظور جلوگیری از «تجاوز» به زنان خانواده و حفظ تمایلات جنسی زنان عفیف، آنان را تحمل می‌کردند. خانم لرنر «قدیمی ترین شغل» را شامل ترین و مقبول ترین تعریف برای روسپی‌گری می‌داند و می‌نویسد: «در منطقه بین‌النهرین قدیم و تمدن بابلی، کارگران و نگهبانان در معابد خدمات جنسی به خدایان ارائه می‌دادند که اغلب برای تولید مثل بوده است...»

به نظر می‌رسد که فعالیت جنسی برای مردم، از جانب خدایان مؤنث و مذکر، مقدس و سودمند بوده است، این عمل بنا به نوع خدایان، محل، مکان و زمان، به صورت‌های مختلف انجام می‌شد و به همین صورت در دوره‌های بعد، روسپی‌گری تجاری در نزدیکی یا در درون معابد روی می‌داد. برای شناخت کامل از تاریخچه روسپی‌گری باید اهداف، ساختارهای اجتماعی هر دوره و نقش روابط و تنظیمات جنسی زنان و مردان را در دولت‌های کهن مورد بررسی قرار داد (مکتون، عطایی آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱).



تجمع زنان

در اعتراض به نابرابری جنسیتی

Jewish Womens Archive



«به نظر می‌رسد روسپی‌گری تجاری به طور مستقیم از برده کردن زنان و شکل‌گیری طبقات اجتماعی ناشی شده است. فتوحات نظامی در هزاره سوم قبل از میلاد به برده‌داری و استفاده ناهنجار از زنان اسیر منجر شد. بعدها برده‌داری سازمان یافته گردید و صاحبان برده، زنان برده را به عنوان فاحشه اجاره دادند. برخی از این برده‌داران هم خانه‌های فحشا دایر کردند که توسط همان برده‌ها اداره می‌شد» (همان).

از نظر لرنر ریشه فحشای مدرن در مظالم تاریخی - اجتماعی است. وی بهره‌کشی از زنان بر خورد با زنان غیربرده را به عنوان دارایی جنسی قابل تبادل در داخل و خارج ازدواج در نظر می‌گیرد و به جای «روسپیگری تجاری» قائل به «برده‌داری و شکل‌گیری طبقات اجتماعی است». برعکس نظریه لرنر که تحت نفوذ دیدگاه مالکیت خصوصی «انگلس» شکل گرفته است، گیل روپین تحت تأثیر دیدگاه «استراوس» شکل‌گیری روسپی‌گری را به دلیل قومیت و نظام ازدواج می‌داند. وی منشأ فاحشگی را در طول تاریخ، سیستم‌های قومی می‌داند که زنان را جهت تثبیت حلقه‌های اجتماعی بین خانواده‌ها مبادله می‌کردند به نظر وی «اگر به زنان به عنوان هدیه نگاه شود، مردان، طرف دوم این تبادل بوده و در جایگاه شرکای معامله قرار می‌گیرند (نه خود هدایا) که تبادل دو جانبه بر آن مؤثر است. در این سیستم، روابط چنان تنظیم شده است که تأمین‌کننده‌ی منافع مردان بوده و در این جریان نفعی به زنان نمی‌رسد و آنان کماکان تحقیر می‌شوند». (همان)

تلاش برای توجیه فحشا و مبادلات جنسی در زمان معاصر بر مبنای عوامل تاریخی یا توسعه فرهنگی موجب نادیده گرفتن تفاوت‌های مهم در بازارهای جنسی و در فرهنگ‌ها و بافت‌های تاریخی شده است.

لرنر و روپین معتقدند فاحشگی (فعالیت جنسی زنان برای دریافت پاداش و دستمزد) و قاچاق زنان (کنترل جنسی زنان توسط سایرین) موضوع و پدیده‌ای فراتاریخی و فرافرهنگی است که در طول تاریخ به شکل‌ها و محتواهای مختلف عرضه شده است. در مجموع دو دیدگاه اصلی در مورد ریشه روسپیگری مطرح شده که دو عامل متفاوت «تاریخی - طبیعی» و «اجتماعی - فرهنگی» را موثر می‌داند. تلاش برای توجیه فحشا و مبادلات جنسی در زمان معاصر بر مبنای عوامل تاریخی یا توسعه فرهنگی موجب نادیده گرفتن تفاوت‌های مهم در بازارهای جنسی و در فرهنگ‌ها و بافت‌های تاریخی شده است. در حالی که مطالعه سابقه پیدایش فحشا و تجارت جنسی در دو بافت جداگانه و بدون توجه به تفاوت‌ها، تمایزات و تنوعات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی امکان پذیر نیست. (همان)

موضوع روسپی‌گری از سه بُعد بررسی شده است:

در بُعد سیاسی - اجتماعی، موضوع تحقیر و به انزوا کشیدن زنان به مفهوم عدم حضور آنان به طور عام در گروه‌ها و سازمان‌های تصمیم‌ساز و خلاصه نمودن جایگاه زنان در حد کالای مصرفی مد نظر می‌باشد. در بُعد فرهنگی، توسعه و گسترش موضوع فحشا به آثار فرهنگی با

نمود بارز آن یعنی محصولات دیداری و شنیداری جنسی و هرزه‌نگاری مطرح می‌شود و در بُعد اقتصادی نیز، قاچاق زنان و کودکان به عنوان یک امر تجاری سازمان‌یافته با سودآوری‌های کلان اقتصادی طرح می‌گردد. که ما در اینجا به بحث فرهنگی و کمی اقتصادی در خصوص فحشا و روسپی‌گری می‌پردازیم (مکتون، عطایی آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲).

در بعد فرهنگی: کلیه موضوعات مرتبط با روسپی‌گری با هدف اولیه ایجاد تغییرات ذهنی و فکری در موضوع ارتباطات و تقویت تحریکات جنسی، در بخش فرهنگی قرار می‌گیرد. در شرایط امروز، آثار فرهنگی به واسطه گسترش تکنولوژی، اشکال متفاوت و تأثیرگذاری را به خود گرفته است که عمده‌ترین آن در صنعت هرزه‌نگاری دیده می‌شود. هرزه‌نگاری در قرن نوزده به عنوان فعالیت فرهنگی همراه با تولیدات انبوه مکتوب آغاز شد. تاریخ‌شناسان اروپایی اذعان می‌کنند که هرزه‌نگاری معاصر از دوران شکل‌گیری دولت‌های دمکراتیک مدرن و با رشد اقتصاد صنعتی و سرمایه‌داری در اروپا پدید آمد (همان).

هرچند اخلاق‌گرایان از سکولار تا مذهبی، هرزه‌نگاری را به دلیل آثار مضر آن بر اخلاق جنسی کودکان و عفت عمومی محکوم کرده و آن را فاقد یک ادبیات هنری، سیاسی و دارای ارزش علمی می‌دانند. هرزه‌نگاری با کمک تکنولوژی، توسعه و گسترش زیادی یافته است، به گونه‌ای که کنترل آن تقریباً از عهده یک سازمان یا نهاد خارج شده است.

در اواسط دهه ۱۹۹۰ اینترنت پذیراترین محل برای ارائه تبلیغات پورنو بود. در اوائل سپتامبر ۱۹۹۵، در شبکه اینترنت تعداد ۱۰۱۹۰۸ مرکز تبلیغاتی

وجود داشت که ۲۶۰۵۵ مورد پیش از اواخر ژوئیه (دو ماه قبل از آن) و ۷۲۷۰۶ مورد پیش از اواخر سال ۱۹۹۴ (۹ ماه قبل از آن) موجود بود، در این مراکز، تبلیغ صنعت جنسی از هر موضوع دیگری بیشتر دیده شده است.

علاوه بر بُعد سودآور این صنعت، اشاعه تأثیرات سوء آن بسیار فراگیر و عمومی شده است. به طوری که از ماه مارس تا سپتامبر (۱۹۹۸ ماه) «مرکز ملی برای گمشدگان و اغفال شده‌ها» تعداد ۱۱۸۹۸۷ گزارش از هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت دریافت نمود. همچنین در گزارش سازمان «ائتلاف علیه قاچاق زنان در آسیا و پاسیفیک» آمده است: «در جهان امروز ما در یک فرهنگ هرزه‌نگار زندگی می‌کنیم که فساد سراسری آن در دهه‌های اخیر در صنایع تولید، فروش و مصرف موضوع جنسی و بخش‌هایی از بدن زنان بیش از هر زمان دیگر نمایان است. به علاوه موضوع «جنس» در شکل‌های مختلف هرزه‌نگاری (تفریح جنس) و فحشا وجود دارد که تأثیر این موضوع بر منزلت زنان، نیاز به تحقیق و بررسی جدی دارد».

گرایش‌های فمینیسم در مورد هرزه‌نگاری را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم نمود: دیدگاه رایج با تأکید بر این مفهوم که «هرزه‌نگاری ابزاری فرهنگی و مردانه» است و زنان به وسیله آن مورد ستم، خشونت و تحقیر قرار می‌گیرند، مخالف هرزه‌نگاری به ویژه در سطح تخصصی است و زنان موافق با این عمل یا مشغول به این فعالیت را به شستشوی مغزی توسط سیستم مردسالاری برای توجیه اعمال هرزه‌نگاری متهم می‌کند.



گرایش لیبرالیستی، قدری آزادمنشانه‌تر با مخلوطی از احترام به «حق آزادی بیان» همراه با اصل «بدن، حق یک زن است»، دفاع از هرزه‌نگاری را با این عبارت اعلام می‌کند: «من موافق نیستم، اما هر کس حق دارد هر طور که مایل است کلمات و تصاویر را بکار برد»، این گروه در عمل نسبت به هرزه‌نگاری سکوت اختیار کرده‌اند. فمینیست‌های «طرفدار جنس» با دفاع سرسختانه از هرزه‌نگاری معتقدند که هرزه‌نگاری برای زنان سودمند است. از نظر این گروه سودمندی هرزه‌نگاری برای زنان به دلیل، «حق انتخابی» است که آنان برای مشارکت در این کار و حضور در معاملات آن کسب می‌کنند.

استدلالات فمینیست‌های موافق هرزه‌نگاری این است که فمینیسم و هرزه‌نگاری سابقه تاریخی همزمانی دارند و هر دو آنها «آزادی جنسی» را از شرایط اجتماعی طلب می‌کنند. در عین حال آنان بر این عقیده هستند که دیدن نمایش‌های هرزه‌نگاری، گرایش‌های خشونت‌آمیز مردان نسبت به زنان را کاهش می‌دهد، در نتیجه هرزه‌نگاری صرفاً عکس‌العملی به جنس‌گرایی و حاکمیت مردانه نیست، بلکه تقویت‌کننده جنس‌گرایی است که به عنوان جزئی از مکانیزم کلیدی برای ایجاد و القای حاکمیت مردانه به کار می‌رود. امروزه این فعالیت هر روز به شکل‌های پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تری برای اشاعه فرهنگ خاصی در سراسر جهان در حال گسترش می‌باشد (مکتون، عطایی آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳).

اما یکی از بُعدهای مهم، بُعد اقتصادی است که در تمام مسائل یک سر نخ به این بعد می‌رسد. بُعد اقتصادی می‌گوید که؛ لازم به ذکر است که بازارهای روسپی‌گری را طیفی از زنان با انگیزه‌های مختلف تشکیل می‌دهند که اکثر آنان از مسیر و فرآیند قاچاق وارد این تجارت شده‌اند. البته گروهی نیز در معرض بالاترین ریسک و صدمات قرار داشته و گروه‌هایی نیز داوطلبانه خود را به خطر می‌اندازند.

◀ به طور کلی می‌توان این افراد را در طیف‌های ذیل طبقه‌بندی نمود:

- زنانی که به دلیل فقر اقتصادی به فحشا کشیده می‌شوند و مشکلات این شغل را تا یافتن کار مناسب تحمل می‌کنند.

- زنانی که در خانواده‌های فقیر متولد شده و پیشینه‌ای از فقر و بی‌سوادی دارند.

- زنانی که با جبر و بدون اختیار مجبور به فحشا شده‌اند.

- زنانی که داوطلبانه وارد این شغل شده و به دلیل خلأهای شخصیتی خشونت و بهره‌کشی اجتماعی را می‌پذیرند این گروه توانایی، مهارت و هوش خود را دست‌کم گرفته و لذا طعمه خوبی برای قاچاق‌چیان محسوب می‌شوند.

- زنانی که دوران کودکی را با عدم موفقیت در رقابت با سایرین و کمبود حمایت و توجه از سوی والدین، معلمان و کارفرمایان پشت سر گذاشته‌اند.

- زنانی با بهره هوشی کم و دارای مشکلات جسمی و روانی که فحشا را راهی برای حضور در جامعه می‌بینند. این گونه زنان موارد خوبی برای دلالان نیستند.

- زنانی که فحشا را فعالیتی طبیعی می‌دانند، این گروه شامل فاحشه‌هایی هستند که نسل در نسل این شغل را داشته و به خوبی از کار خود آگاهند، اعتماد به نفس خوبی دارند و در مقابل خطرات و مشکلات مقاومت می‌کنند.

- زنان زیبا و باهوش که با انگیزه کسب درآمد سرشار این شغل، مردان با نفوذ و ثروتمند را طعمه قرار می‌دهند. این گروه از روسپیان کوچکترین طبقه از شاغلین این حرفه را تشکیل می‌دهند که با قدرت انتخاب، به نوعی خود را از خطر مشکلات فحشا رها می‌کنند.

- شخصیت‌های تأثیرناپذیری که در جستجوی ریسک خطر بوده و از این طریق می‌خواهند موانع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را رفع نموده و در اذهان جامعه روشنگری نمایند. این گروه شامل برخی هنرمندان، شاعران و نویسندگان و تندرهای سیاسی هستند که با روحیه تنوع‌طلبی به شکلی با محدودیت‌های عرفی جامعه خود مقابله می‌کنند.

پنج گروه اول، گروه‌های هدف برای دلالان و قاچاقچیان انسان محسوب می‌شوند و چهار گروه بعدی که به دلیل خصوصیات فردی و اهداف خاص وارد این شغل شده‌اند به دلیل تعداد کم، چندان مورد توجه شبکه‌های قاچاق نمی‌باشند (مکتون، عطایی آشتیانی، ۱۳۸۴: ۵).

یکی از جنبه‌های اساسی روسپی‌گری امروزی این است که زن‌ها و مشتریان‌شان معمولاً برای یکدیگر ناشناخته‌اند. اگرچه مردان ممکن است «مشتری دائمی» بشوند، اما رابطه در آغاز بر اساس آشنایی شخصی برقرار نمی‌گردد. در دوره‌های پیشین چنین وضعی در مورد اکثر اشکال برآوردن خواهش‌های جنسی در برابر نفع مادی وجود نداشت. روسپی‌گری با فروپاشی اجتماعات کوچک محلی، توسعه نواحی شهری بزرگ و غیر شخصی و تجاری شدن روابط اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. در اجتماعات کوچک قدیمی، همان‌نمایی روابط جنسی سبب کنترل آن‌ها می‌گردید. در نواحی جدیداً توسعه یافته شهری، ارتباطات اجتماعی ناشناس‌تر به آسانی برقرار می‌گردیدند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۲۷).

۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. ۲. آلن بدیو، در ستایش عشق، ۱۳۹۴، ترجمه مریم عبدالرحیم کاشی، انتشارات ققنوس
۲. مکتون، ثریا. عطای آشتیانی، زهره. (۱۳۸۴)، فمینیسم و روسپی‌گری، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸، ص ۸ تا ۸.



روسی‌گری در دنیا چگونه تعریف شده؟!



زهرا صفری

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

در دنیایی که مردان نسبت به زنان حقوق بیشتری دارند، شاید فحشا تنها راهی باشد که بیشتر زنان فاقد حامی را قادر به ادامه حیات سازد (وروایی، ۱۳۸۴). دیدگاه‌های مختلفی به نوعی بین بزه کاری و عامل اقتصادی رابطه مثبتی برقرار کرده‌اند (مظلومان، ۱۳۵۱). دکتر اتین دوگرف (E. Degreff) پس از بررسی دقیق آماری اعلان داشت. به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی در ارتکاب جرایم تاثیر غیرمستقیم دارد و استعداد بزه‌کاری را تقویت می‌کند؛ زیرا می‌تواند مانع از رشد طبیعی افراد شود و از سوی دیگر، ناراحتی و بی‌نظمی و اختلال را دامن بزند و موجب بروز ستیزه‌جویی و انحرافات می‌گردد که تمایل به جرم را تسهیل نماید (کی‌نیا، ۱۳۹۶).

به گفته فرمانده وقت نیروی انتظامی کشور: «بر اساس تحقیقی که در خصوص زنان خیابانی صورت گرفته، تنها ۸ درصد زنان خیابانی به دلیل شهوت‌رانی و توسعه فساد به این راه کشیده می‌شوند و ۹۲ درصد انگیزه دیگری دارند، به این ترتیب که ۸۰ درصد آنها به جهت نیاز مالی اقدام به خودفروشی می‌کنند و ۱۲ درصد نیز با همین انگیزه اما با نیت زیاده‌طلبی به روسپیگری می‌پردازند» (روزنامه توسعه، ۱۶/۱۲/۱۳۸۳).

روسی‌گری در سایر کشورها

در کشورهای توسعه یافته تلاش کردند فحشا را کنترل و تحت مقررات خاص قرار دهند. با تأسیس سازمان ملل، اکثر کشورهای برضد خرید و فروش دختران و زنان و حمایت از هزاران دختری که از کودکان در خانه‌های مخصوص یا کوچه‌ها برای فاحشگی آماده می‌شدند، قوانینی یکسان تصویب کردند (فرمانفرماتیان، ۱۳۴۹). البته همزمان برخی کشورها مانند تایلند و فیلیپین قوانین ضد فحشا را لغو کردند و در نتیجه، فحشا در این کشورها گسترش زیادی پیدا کرد و حتی تبدیل به جاذبه توریستی آن‌ها شد (Bullough & Bullough, ۱۹۹۵).

دراروپا روسپی گری به عنوان یک شغل سودآور است که در انحصار زنان است، همچنین در آسیا یک تجارت سودآور است، بسیاری از خانواده‌های فقیر روستایی به درآمد حاصل از روسپی گری زنان متکی هستند.

دراسناد بین‌المللی بر مبنای نگرش حقوق بشری، هم رویکرد جرم‌زدایی وهم رویکرد جرم‌انگاری به صورت توأمان وجود دارد. مبنای جرم‌انگاری قوادی و جرم‌زدایی پدیده روسپی گری آن است که، فحشا امری شخصی است و هرچند روسپی، خود به تن و کرامتش لطمه می‌زند، مجرم نیست و نیازمند تدابیر بازپروری و اصلاح است نه برخورد کیفری. ۲۵ درصد تن‌فروشان آمریکا که به سوال درباره خانواده‌شان پاسخ داده‌اند، در خانواده بدون مادر ۵۹ درصد در خانواده بدون پدر، بزرگ شده‌اند. به علاوه بیشتر از ۶۰ درصد آنها، گزارش دادند که در معرض خشونت‌های خانوادگی قرار گرفته‌اند (Raphael, ۲۰۰۲).

دراروپا روسپی گری به عنوان یک شغل سودآور است که در انحصار زنان است، همچنین در آسیا یک تجارت سودآور است، بسیاری از خانواده‌های فقیر روستایی به درآمد حاصل از روسپی گری زنان متکی هستند (Agnote, ۱۹۹۸).

قوانین پیش از انقلاب

پیش از انقلاب، قانون مجازات عمومی با در نظر گرفتن علل ورود به بازار روسپی گری به جرم‌زدایی از آن، پرداخت، اما قانون‌گذار بعد از انقلاب با غفلت از شناخت علمی و جامعه‌شناختی روسپی گری با اتکا به موازین فقهی درباره روابط جنسی نامشروع موجب خلأ قانونی در این زمینه شد (برهانی، ۱۳۸۸). تا قبل از سال ۱۳۰۴ و تصویب قانون مجازات اسلامی ایران مجازات روسپی گری بر پایه قوانین شرعی تعیین می‌شد، مقررات مربوط به جرایم با عنوان «هتک ناموس و منافات عصمت» در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ لحاظ شد. در سال ۱۳۱۲ این عنوان در قانون اصلاح شد و در ذیل فصل پنجم قانون مجازات عمومی، عنوان «در جنحه و جنایات برضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی» قرار گرفت و مقررات نسبتاً جامع‌تری به اجرا گذاشته شد.

روспی گری جرم تلقی نشد، اما قوادی و واسطه‌گری روسپی گری جرم شناخته شدند. اگر شخص روسپی، رفتار جنسی خویش را وسیله امرار معاش خود قرار می‌داد، جرمی مرتکب نشده و مستوجب مجازات نبود. می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار وقت، سیاست جنایی خاصی را در جهت مهار و کنترل فحشا اتخاذ کرده بود و بجای جرم محسوب کردن روسپی گری که نتیجه آن برخورد کیفری با فرد روسپی بود، به این امید که با برخورد کیفری با واسطه‌ها و کسانی که زمینه‌های فحشا و روسپی گری را در جامعه فراهم می‌آورند بتوان با فحشا و روسپی گری مجازات کرد.

قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید. تأیید از تصویب این قانون، ملاک تشخیص عمل خلاف و مجازات آن فقه بود. از روسپی گری به صراحت سخن به میان نیامده



اما با تمسک به مجازات‌های تعزیری به مقابله کیفری با روسپی‌گری توصیه شده است. اعمال مجازات تعزیری به حکومت اجازه می‌دهد سیاستی افتراقی در قبال مرتکبان حرفه‌ای و آن دسته که به علت فقر و درماندگی به این پدیده روی آورده‌اند؛ اتخاذ کند (برهانی، ۱۳۸۸). اعمال منافی عفت در قوانین پیش از انقلاب اساساً جرم محسوب نمی‌شدند. در قانون مجازات عمومی عنف، تهدید و حيله در جرم دانستن رفتارهای جنسی ملاک تشخیص وقوع جرم بود. از این رو، روسپی‌گری مبتنی بر رضایت جرم تلقی نمی‌شد.

البته قانون‌گذار برای روابط نامشروع افراد متاهل در ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال را در نظر گرفته بود (برهانی، ۱۳۸۸). نقض حقوق بشر موجب اجبار زنان به روسپی‌گری به عنوان راهی برای کسب معاش خود و خانواده‌شان می‌شود، از سوی دیگر اغلب پس از وقوع روسپی‌گری زنان کمتر از حق دادرسی عادلانه برخوردار می‌شوند و حقوق ذاتی آنان در برخورد قضایی نقض می‌شود.



تن فروشی در ایران قربانی بیماری و اعتیاد



نگین علیخانی، مریم سلیمانی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی / دانشجوی کارشناسی روانشناسی

روسپیگری یا پدیده زنان خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که همه گیر شدن بیماری‌های مقاربتی و از هم پاشیدگی خانواده‌های مصرف کنندگان خدمات جنسی از جمله مهم‌ترین پیامدهای آن می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد ایران در سال‌های اخیر با رشد روز افزون این پدیده و کاهش سن روسپیگری مواجه بوده است (میرابی و فولادیان: ۱۳۹۸: ۱).

به زعم محققان، پدیده زنان روسپی سلامت امنیتی، اخلاقی، بهداشتی و روانی اعضای جامعه را به خطر می‌اندازد. از آنجا که روسپیان با شخصیت‌های گاه منحرفی پیوند می‌خورند، احتمال آنکه درگیر جرم‌ها و رفتارهای پرخطری چون اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، قاچاق مواد مخدر شوند، بسیار است. در واقع روسپیگری با انواع دیگر آسیب‌های اجتماعی و مفاسد مرتبط است و تهدیدها و خشونت‌های بسیاری برای روسپیان در پی دارد. از طرف دیگر، روسپیگری، هویت زنان در جامعه را نیز با خدشه مواجه می‌کند. چرا که در جامعه‌ای که روسپیگری رواج می‌یابد، نگاه به زن یک نگاه جنسی است. وجود زنانی که در سطح خیابان با مشتریان مرد خود وارد معامله می‌شود، برای زنانی که روسپی نیستند نیز باعث حس ناامنی می‌شود و انزوای آنان را در پی خواهد داشت. مسأله روسپیگری در تاریخ زندگی بشر قدمت زیادی دارد تا جایی که در میان ملل ابتدایی نیز از آن سخن به میان آمده است و در حال حاضر نیز در همه جوامع، مسأله آسیب و فحشا به طرق مختلف وجود داشته و بازاری را برپا کرده است که مشتریان متقاضی خدمات جنسی آن را به وجود آورده‌اند. پدیده‌ای که رواج آن در همه‌ی جوامع چیزی از آسیب‌زا بودن آن کم نمی‌کند. هرچند در همه جوامع مختلف، مسأله آسیب و فحشا به طرق گوناگون وجود داشته و چنانچه نگاهی اجمالی به میزان روسپیگری در جهان بیندازیم، نزدیک به ۱۴ میلیون روسپی در جهان وجود دارند که کشور چین با ۵ میلیون، هند با ۳ میلیون، ایالات متحده با یک میلیون، فیلیپین با ۸۰۰ هزار و مکزیک با ۵۰۰ هزار روسپی



در صدر کشورهای دارای پدیده روسپیگری هستند، همچنین ایرلند با ۱۰۰۰، دانمارک با ۳۲۰۰ و نیوزیلند با ۳۵۰۰ کشورهای دارای کمترین میزان روسپیان می‌باشند (همان: ۲). در دنیای امروزی که نهادها و سازمان‌ها، روابط انسانی و خلاصه همه پدیده‌های مطرح در زندگی انسان‌ها پیچیده است و ورود به دنیای بزرگسالی، مستلزم کسب مهارت‌های بسیار است یعنی جمع‌گیری از این دختران و زنان، از ابتدایی‌ترین آموزش‌ها برای ورود به این دنیای پیچیده بی‌بهره مانده‌اند. به عبارت دیگر، زنان تن‌فروش، اکثراً از ابتدایی‌ترین وسیله برای کسب درآمد مشروع، یعنی سواد لازم بی‌بهره‌اند (علیایی‌زند: ۱۳۸۱: ۱۲۴). راهکارهایی برای برون‌رفت زنان روسپی از وضعیت فعلی و جلوگیری از روسپی شدن زنان در معرض آسیب می‌توان ارائه داد.

توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و روحی زنان روسپی و زنان در معرض آسیب، شناسایی خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست و بیرون آوردن کودکان و بویژه دختران از این شرایط خانوادگی و فراهم آوردن شرایط زندگی عادی در موسساتی که به این منظور تأسیس می‌شوند و حتی واگذاری تکفل این کودکان به خانواده‌های واجد شرایط، حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار و فراهم آوردن شرایط کاری در کارگاه‌های سالم، پیشگیری و جلوگیری از اعتیاد بویژه والدین، ایجاد موسساتی که زنان بی‌خانمان و بی‌پناه را سامان‌دهی کنند و تلاش برای بازپروری علمی زنان روسپی در مراکز بهزیستی از جمله راهکارهایی است که می‌توان برای حل این مسأله اجتماعی رو به گسترش ارائه داد (میرابی و فولادیان؛ ۱۳۹۸: ۳۱).

لازم به ذکر است که روسپیگری همیشه به یک شکل اتفاق نمی‌افتد. نتایج مصاحبه با زنان روسپی نشان داده است که این زنان ممکن است گاهی به دوستی با یک مرد پرداخته و آن مرد تمام هزینه‌های زن روسپی را تأمین کند. علاوه بر این گاهی این زنان صیغه‌مردی شده و او هم تا پایان صیغه به تأمین هزینه‌های آنها می‌پردازد. بنابراین زنان روسپی ممکن است شکل‌های مختلف روسپیگری را با توجه به شرایط برگزینند و گاهی چند شکل را برای ادامه‌ی فعالیت خود انتخاب کنند. در نتیجه می‌توان گفت هنگامی که مشکلات عاطفی و جنسی با مشکلات مالی به یکدیگر آمیخته می‌شوند احتمال اقدام به روسپیگری در میان زنان دارای این شرایط بیشتر می‌شود. لازم به ذکر است که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی موجود یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند منجر به شیوع پدیده‌ی روسپیگری گردد. نگاه جنسی و ابزاری به زن یکی از اساسی‌ترین ارزش‌هایی است که زمینه‌ساز شیوع پدیده‌ی روسپیگری می‌باشد. یکی دیگر از ارزش‌های اجتماعی که زنان روسپی مورد مصاحبه را با دشواری‌هایی مواجه کرده است، نگاه منفی به زنان مطلقه و بیوه و مجاز دانستن هرگونه رابطه‌ای با آنها از سوی برخی مردان می‌باشد.

اعتیاد به مواد مخدر در بین روسپیان خیابانی بسیار رایج است. استفاده از مواد مخدر باعث سازگار شدن با زندگی توام با اضطراب و مشکلات می‌شود.

آنچه برای نجات لازم است: آموزش عمومی برای توجه و هشدار دادن این نکته است که روسپی‌گری خشونت ذاتی و درونی به روسپیان است و همچنین ارائه دادن برنامه‌هایی برای نجات این افراد از روسپیگری، این برنامه، باید چیزی بیشتر از دادن کاندوم یا ارائه برنامه آموزش رابطه جنسی سالم و ایمن باشد. تغییر نگرش اجتماعی به این زنان بسیار مهم است؛ چرا که انتخاب راه‌های ارزشمند از تعداد آنها می‌کاهد. درمان‌های روانشناختی برای اختلالات استرس پس از سانحه حاد (Acute PTSD) ناشی از خشونت جنسی و اسارت روسپیگری، به همان نسبت صدمات طولانی مدت ناشی از سوءاستفاده یا غفلت در کودکی ضروری است. درمان اعتیاد به الکل و مواد مخدر و مراقبت‌های بهداشتی باید به سایر برنامه‌های ارائه شده به افرادی که روسپیگری را رها می‌کنند اضافه شود. ما باید به عنوان افراد جامعه به آنها شغل و مامن و کاشانه دهیم تا بتوانند روسپیگری را ترک کنند (فارلی و همکاران: ۱۹۹۸، ۲۵۲۵).

مطالعات متعددی همچنین رابطه بین مصرف مواد و روسپیگری را تایید کرده‌اند، از جمله دالا گزارش کرده که اکثریت زنان مصرف‌کننده کوکائین سابقه روسپیگری داشته‌اند. به علاوه تعداد زیادی از روسپیان قبل از شروع روسپیگری سابقه مصرف مواد مخدر داشته‌اند. اعتیاد به مواد مخدر در بین روسپیان خیابانی بسیار رایج است. استفاده از مواد مخدر باعث سازگار شدن با زندگی توام با اضطراب و مشکلات می‌شود. آنان به این شکل می‌توانند سوءاستفاده جنسی و جسمی اعمال شده بر خود را راحت‌تر تحمل کنند. (۱۹۹۷)

اغلب پژوهش‌ها در ایران نیز به بررسی سابقه اعتیاد و سوءمصرف مواد در بین زنان روسپی علاقمند بوده‌اند. بر پایه یافته‌های این پژوهش‌ها، درصد قابل توجهی از زنان، سابقه مصرف مواد را تایید کرده‌اند.

مقایسه نتایج پژوهش‌ها در سال‌های اخیر با پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد سهم روسپیان با سابقه مصرف مواد رو به افزایش است. به این پدیده باید به عنوان یکی از شاخص‌های تغییر الگوی روسپیگری در سال‌های اخیر توجه کرد. به علاوه روند افزایش شیوع اعتیاد در کل جامعه ایرانی طی دو دهه اخیر نیز ممکن است با تغییرات سابق الذکر مرتبط باشد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد درصد بالایی از روسپیان اعتیاد به موادمخدر را پس از روسپیگری شروع کرده‌اند. مطابق بررسی صدیق سروستانی (۱۳۷۲)، بیش از نیمی از روسپیان پیش از آغاز روسپیگری، مواد مخدر مصرف می‌کرده‌اند، در حالی که طبق پژوهش وروایی (۱۳۸۴)، تمام روسپیان پس از آغاز روسپیگری معتاد شده‌اند. پژوهش فرمان‌فرمائی‌ان (۱۳۴۷) نیز همین یافته را تایید می‌کند. در پژوهش علیایی‌زند (۱۳۸۳) دو سوم زنان تن‌فروش مورد بررسی، معتاد بوده‌اند که نیمی از آن‌ها پس از آغاز روسپیگری معتاد شده و درصد کمی پیش از آن که تن‌فروش شوند، معتاد بوده‌اند.

اکثریت زنان روسپی تحت پوشش مراکز بازپروری و نگهداری سازمان بهزیستی سابقه مصرف مواد نداشته‌اند. علاوه بر این، در سه گروه یک تا سه سال، کم‌تر از یک‌سال و بیشتر از سه سال قبل از بازداشت اعتیاد داشته‌اند. بیشترین ماده مصرفی زنان با سابقه مصرف مواد، تریاک و شیره است و پس از آن، ترکیبی از مواد بوده است. کمترین فراوانی ماده مصرفی زنان الکل و پس از آن مصرف داروهای توهم‌زا گزارش شده است.

علاوه بر این از مجموع زنانی که روش مصرف خود را ذکر کرده‌اند، تعداد کمی سابقه تزریق داشته‌اند. تعدادی از روسپیان مورد مطالعه مدنی (۱۳۸۶) قبل از شروع روسپیگری سابقه مصرف مواد داشته‌اند. مواد مصرفی این افراد در رده اول، تریاک و در رده‌های بعدی حشیش و الکل و بعد هروئین و کراک قرار داشته‌اند. فهرست مواد مصرفی زنان روسپی قبل از شروع روسپیگری بسیار دامنه‌دار و وسیع بوده و شامل مواردی مثل کوکائین، گراس و ترکیبی از مواد مختلف بوده است. در یافته‌های کیفی این پژوهش، شواهدی دال بر وجود دو الگوی شروع مصرف مواد و اعتیاد قبل از آغاز به کار تن‌فروشی و هم پس از آن وجود دارد.

یافته‌های پژوهش مدنی (۱۳۸۶) با داده‌های حاصل از علیایی‌زند (۱۳۸۳) مبنی بر آنکه درصد کمی از زنان در پژوهش او سابقه مصرف مواد قبل از شروع روسپیگری داشته‌اند، تقریباً مشابه است. در عین حال در گزارش صدیق سروستانی (۱۳۷۲)، سهم بالاتری از زنان قبل از روسپیگری، سابقه مصرف مواد داشته‌اند، در حالی که در گزارش شرافتی پور (۱۳۸۴)، سهم کمتری از زنان روسپی، از این ویژگی برخوردار بوده‌اند.

به نظر می‌رسد در خصوص رابطه الگوی شروع سوءمصرف مواد، اعتیاد و سپس روسپیگری در سال‌های اخیر باید مطالعات بیشتری انجام شود. در عین حال، یافته‌های پژوهش مدنی (۱۳۸۶) مبنی بر مصرف موادمخدر توسط نیمی از زنان روسپی طی یک ماه قبل از اجرای پژوهش با نتایج گزارش وروایی (۱۳۸۴) دال بر مصرف مواد از جانب نیمی از جمعیت نمونه زنان روسپی پس از شروع روسپیگری، همسو است،

اما داده‌های شرافتی‌پور (۱۳۸۴) و فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) و در مقابل داده‌های پژوهش‌های صدیق سروستانی (۱۳۷۲) و علیایی زند (۱۳۸۳)، در دو سوی برآورد مدنی (۱۳۸۶) از نسبت زنان تن‌فروش که قبل از تن‌فروشی معتاد بوده‌اند یا مواد مصرف می‌کرده‌اند، قرار دارد. اما آنچه مسلم است، ارتباطی وثیق بین روسپیگری و سوءمصرف مواد خاصه پس از شروع روسپیگری وجود دارد. نتایج مطالعه دژمان و همکاران (۱۳۸۷) درباره مصرف مواد زنان تن‌فروش شهر شیراز حاکی از آن است که دانش زنان مذکور راجع به روش‌های استریل کردن سرنگ نسبی و ناقص است. به علاوه افزایش سن زنان تن‌فروش با احتمال سوءمصرف مواد در آنان رابطه مستقیم دارد. زنان معتاد تن‌فروش در موقعیت ضعیف‌تر نسبت به مشتریان هستند و به دلیل نیاز مالی تن‌فروشی درخواست‌های پرخطر مشتریان می‌دهند. نیاز زنان تن‌فروش به حفظ تناسب اندام، رابطه جنسی بهتر و افزایش خلق، موجب انتخاب نوع مواد مصرفی می‌شود. تمایل به مصرف تریاک بیش از دیگر مواد است زیرا کمتر بر ظاهر زنان تاثیر دارد. در مقابل زنان نسبت به تزریق مواد به دلیل آثار آن بر ظاهرشان تمایل کمتری دارند. از دیدگاه زنان تن‌فروش مصرف تریاک موجب تاخیر در انزال می‌شود، لذا برای مشتری مطلوب و از نظر زنان نامطلوب است. اغلب زنان نگرش مثبتی به استفاده از مشروبات الکلی توسط مشتریان و خودشان دارند، زیرا تصور می‌کنند باعث آرام شدن و مهربانی مشتریان و خلق بالاتر خودشان می‌شود.

بررسی وضعیت مصرف مواد توسط زنان روسپی شهر بروجرد نیز نشان می‌دهد علت اصلی استفاده از مواد در مردان طولانی شدن رابطه جنسی است. اما زنان، خمار نبودن هنگام رابطه جنسی را به عنوان دلیل مصرف مواد مطرح کرده‌اند. زنان معتاد برای کسب درآمد بیشتر جهت خرید مواد احتمال بیشتری دارد که با روابط جنسی پرخطرتر موافقت کنند. خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی در زنان معتاد تزریقی به دلیل بی‌توجهی به سلامتی‌شان نیز ناآگاهی و استریل نکردن وسایل تزریق بسیار زیادتر از سایر گروه‌های زنان روسپی است.



شایع‌ترین روش مصرف مواد در زنان تن‌فروش بروجرد، کشیدن یا دود کردن است. اما در گروه‌های جوان و دانشجویان روش‌های دیگر نیز استفاده می‌شود، به علاوه این گروه مواردی مثل شیشه، کراک و قرص مصرف می‌کنند.

در برخی گزارش‌های مندرج در روزنامه‌ها هم اشاراتی به ارتباط اعتیاد و روسپیگری شده است. در این باره، رئیس وقت مرکز مطالعات تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، اظهار داشت که اعتیاد زنگ خطر رشد روسپیگری است؛ زیرا معضل اعتیاد، احتمال پیدایش پدیده روسپیگری را در خانواده‌های معتادان افزایش می‌دهد. بر اساس تحقیقی که درباره ۱۴۷ زن روسپی انجام شد و نتایج آن را علیایی زند در همایش ملی آسیب‌های اجتماعی اعلام کرد، بیشتر روسپی‌ها پدر یا مادر معتاد داشته‌اند (روزنامه حیات نو، ۸۱/۳/۱۶).

رئیس وقت انجمن مددکاری اجتماعی ایران هم با اشاره به آمار ۲۵ تا ۳ میلیون معتادان در کشور گفت: «اگر خانواده هر معتاد را چهار نفر در نظر بگیریم، ۱۲ میلیون نفر به طور مستقیم درگیر با مسئله اعتیاد هستند و فرزندان این خانواده‌ها برای تامین هزینه‌های زندگی مجبور هستند که کار کنند و چون نیاز مبرم به کار دارند، مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند.» (روزنامه اعتماد، ۸۳/۱۱/۱۹).

بر اساس پژوهشی که درباره ۲۶۸ زن ویژه انجام گرفت، مشخص شد که نیمی از شوهران زنان مورد مطالعه، معتاد بوده و یا در توزیع مواد مخدر فعالیت داشته‌اند و درصد کمی از آنها در کارهای منکراتی فعالیت می‌کرده‌اند (روزنامه شرق، ۸۲/۷/۱۰).

بنابر گزارش دیگری، پدران (در درصد بیشتری از مادران) و مادران زنان روسپی در خانواده‌ها از نزدیک با مواد مخدر سروکار داشته‌اند (روزنامه همشهری، ۸۴/۹/۳).

اظهارات فوق کاملاً هماهنگ و همسو با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده درباره اعتیاد در خانواده زنان روسپی است.

نتایج مطالعات نشان از آن دارد که اغلب دختران فراری به دلیل ابتلا به اختلال شخصیت، ضعف اراده، زودرنجی و دیگر مشکلات و بیماری‌های روانی، گرایش به تنفروشی پیدا می‌کنند. بنابر گزارش‌های موجود، دختران جوانی که وارد بازار تن‌فروشی می‌شوند در برخی موارد بهره‌هوشی کمی دارند، اغلب تلقین‌پذیر، یا به اختلالات و بیماری‌های روانی مانند صرع، اسکیزوفرنی و پارانوئیا مبتلا هستند و به علت عدم تکوین شخصیت، فاقد ثبات و انضباط اجتماعی هستند؛ هر چند افراد باهوش هم در بین آنها اندک نیست (دانش ۱۳۷۲).

در مطالعات فارلی و بارکن (۱۹۹۸) درباره زنان خیابانی سانفرانسیسکو، مشخص شده است که اغلب افراد مورد مطالعه، دارای ملاک‌های اختلال استرس پس از ضربه هستند. پاتر، مارتین و رومانس نیز به این نتیجه رسیده‌اند که زنان روسپی مورد مطالعه‌شان دارای میزان عزت‌نفس پایین هستند و عملکرد خانواده آنان مختل است (زارعیدوست و دیگران، ۱۳۸۶). از بررسی نتایج پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که حدود ۵۰ تا ۶۵ درصد زنان تن‌فروش در مطالعات کامرانی فکور (۱۳۸۱) و وروایی (۱۳۸۴) سابقه بیماری روانی داشته‌اند. در تحقیق کامرانی فکور (۱۳۸۱)، هیپومانوی و ضعف روانی، بیشترین فراوانی و پس از آن اسکیزوفرنی و افسردگی گزارش شده است.

در حالی که در تحقیق وروایی (۱۳۸۴) پارانویا و هیستری بیشترین فراوانی و پس از آن افسردگی شایع تر بوده است. در یافته‌های هر دو پژوهش، شیوع بالای سابقه اختلالات روانی در زنان روسپی تایید می‌شود.

در پژوهش مدنی (۱۳۸۶)، درصد کمی از روسپیان مورد بررسی سابقه بیماری روانی قبل از شروع روسپیگری را تایید کرده‌اند. در میان کسانی که نوع بیماری خود را به یاد داشته‌اند نزدیک به نصف افراد به افسردگی مبتلا بوده‌اند. در سایر موارد، اضطراب صرع، خودکشی، بی‌خوابی و بدخوابی، اعتیاد، عصبانیت و اختلال در روابط جنسی از جمله علل مراجعه به روانپزشک یا روانشناس بوده است که اکثریت علل را شامل می‌شوند. گروهی از پژوهشگران با هدف شناسایی و تعیین نوع شیوه‌های مقابله‌ای، منع کنترل و باورهای غیرمنطقی زنان روسپی، پژوهشی را درباره ۳۰ نفر از روسپیان ۱۹ تا ۴۰ ساله زندانی و ۳۰ زن عادی انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان تن‌فروش دچار اختلالات روانی و هیجانی هستند و آنان در مقایسه با زنان عادی در مواجهه با مشکلات زندگی بیشتر دست به اقدامات هیجانی شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان می‌زنند. همچنین این زنان در برابر تغییر بیشتر احساس درماندگی می‌کنند و میزان نگرانی توأم با اضطرابشان بالا است (زارعی دوست و دیگران، ۱۳۸۶).

۱. قهفخوری مدنی، سعید. (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی روسپی‌گری

۲. علیایی زند، شهین. (۱۳۸۱).

ازدواج نامناسب بستری زمینه‌ساز برای روسپیگری، دوره ۲، شماره ۵:

۳. فارزی، ملیسا. آیواران، آیسین. کرومیرو، ماراب. سزینگ، آفوک. (۱۳۸۱)،

روسیگری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، دوره ۲، شماره: ۵

۴. میرابی، سعیده. فولادیان، مجید. (۱۳۹۸).

شناسایی علل و فرایندهای موثر بر پدیده روسپیگری (مورد مطالعه: شهر مشهد)، دوره ۸، شماره: ۱



فضای مجازی؛ فروشگاه تن فروشی



نسبیه سماواتی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

فضای مجازی بستر مساعدی را برای تبلیغات کالاها و گسترش تجارت فراهم نموده و کسب و کار و تجارت به صورت جدیدی درآمده است. امروزه در فضای مجازی شاهد بازاریابی توسط ارائه‌دهندگان خدمات جنسی هستیم. شاید بتوان گفت روسپانی که با گسترش تکنولوژی و پیدایش شبکه‌های مجازی روسپیگری خیابانی را به روسپیگری مجازی تغییر داده‌اند و به راحتی و بدون مشکلات روسپیگری خیابانی اقدام به تن فروشی و یا واسطه‌گری می‌کنند. در حال حاضر فضای مجازی محیط امنی برای تبلیغات و فعالیت این افراد شده است. گویا فضای مجازی تن فروشی این افراد را تسهیل نموده و موجب برقراری راحت ارتباط بین روسپیان و مشتریان خدمات جنسی شده است. در این میان گسترش پورنوگرافی در فضای مجازی نیز موجب تحریک و افزایش تعداد و همچنین کاهش سن افراد متقاضی این خدمات و ارائه‌دهندگان خدمات جنسی شده است. پورنوگرافی با توجه به فرهنگ و سنت‌های جوامع مختلف ممکن است متفاوت باشد. برخی فرهنگ‌ها یا سنت‌ها ممکن است موردی را پورنوگرافی بدانند که در فرهنگ‌های دیگر کاملاً طبیعی باشد. گرچه ظهور و پیدایش اینترنت برخی از جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی سنتی از محیط فیزیکی و واقعی به محیط مجازی انتقال یافته است (پورنوگرافی، توریسم سکس، روابط نامشروع، قوادی و...). اما متأسفانه نمی‌توان آن‌ها را در قالب جرایم رایانه‌ای گنجانده، زیرا قانون‌گذار در بعضی موارد جرم‌انگاری ننموده است. از جمله مواردی که به طور کلی از سوی قانون‌گذار جرم تلقی شده است می‌توان به قوادی اشاره کرد. قیادت عبارت است از اینکه کسی دو فاعل عمل فحشا را به هم برساند و میان آن دو وساطت نماید. در گذشته و فضای سنتی دامنه جرم قوادی محدود به چند نفر بود ولی امروزه قوادی از طریق رایانه و فضای مجازی با یک دنیا سروکار دارد. در مسئله جرایم ابتدا سعی در پیشگیری آن است.

شیوه‌ای از پیشگیری وجود دارد تحت عنوان (پیشگیری وضعی). در پیشگیری وضعی سعی بر این است که از طریق سلب یا کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و کنترل و مدیریت صحنه آن، وقوع و ظهور جرم ممتنع یا دشوار شود. هدف از آن نیز ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم، به رغم تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد. حال فضای مجازی پیشگیری وضعی را غیرممکن ساخته است. و باید به دنبال راهکار دیگری برای پیشگیری بود. هنگامی یک برنامه پیشگیری کامل، فراگیر و واقع‌بینانه است که برای تمامی مراحل و زمینه‌های ارتکاب جرم طراحی و اجرا شود و در همه آنها وظیفه بازدارندگی را به نحو شایسته انجام دهد. متأسفانه در ایران قوانین سخت‌گیرانه و نظارت جدی با فعالیت‌های روسپیگران و قوادان در فضای مجازی نمی‌شود. قانون‌گذار در بسیاری موارد، مجازات‌های نسبتاً سنگینی را برای هزینه‌نگاری در نظر گرفته است. این مجازات‌ها شامل حبس، جزای نقدی و شلاق با تعیین حداقل و حداکثر و در برخی موارد محرومیت از حقوق اجتماعی برای مدت معین است. قانون‌گذار حتی در برخی موارد این اختیار را به دادگاه داده است که عمل ارتكابی را از مصادیق مفسد فی الارض تلقی کرده و مرتکب را به مجازات مفسد فی الارض (اعدام) محکوم نماید.

قانون‌گذار وجود یک قصد و انگیزه خاص را موجب معافیت مرتکب از مجازات عنوان کرده است. بدین ترتیب اگر کسی مرتکب اعمال مندرج در موارد ۷۴۲، ۶۴۰ یا ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی شود، اما اثبات کند که این کار را برای مقاصد علمی یا هر مصلحت و یا هر حلال عقلایی دیگر انجام داده است، از تحمل مجازات معاف خواهد شد. در این مقرر، حدود و ثغور قصد علمی و به ویژه مصلحت عقلایی مشخص نیست. این امکان وجود دارد که هر کسی برای کارهایی که انجام داده است توجیهاتی ارائه نماید تا از مجازات رهایی یابد.

در مورد قوادی نیز قانون‌گذار در فصل چهارم از قوانین جرایم رایانه‌ای که مربوط به جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی می‌باشد، هیچ اشاره‌ای به قوادی یا قیادت رایانه‌ای نکرده است، تنها در ماده چهاردهم از فصل چهارم قانون جرایم رایانه‌ای آورده است هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل داده‌محتویات مستهجن را منتشر توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. البته در تبصره سوم همین ماده اذعان داشته است: «چنانچه مرتکب، اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود، چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد». اما در این جا منظور قانون‌گذار از افساد یا معامله قوادی می‌باشد یا نه مشخص نیست. در سایه همین کم‌توجهی، مجرمان قوادی رایانه‌ای در سطح جهان فعالیت می‌کنند و در صورت پیگرد قانونی کمترین مجازات را می‌بینند. قانون‌گذار در وضع قوانین جرایم رایانه‌ای نه تنها قوادی را در نظر نگرفته است، بلکه جرایم علیه عفت و اخلاق رایانه‌ای را لایق مجازات کمتری نیز دانسته است. ولی بهتر بود که در این مورد شدت عمل و مجازات بیشتری اعمال می‌شد.



کمیته امداد: نهادی برای زنان فقیر و آسیب دیده



امیر حسین شاه محمدی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

کمیته امداد امام خمینی (ره) یک نهاد عمومی است که با هدف یاری رساندن به محرومان و مستضعفان و خودکفا کردن آنها از سال ۱۳۵۷ شروع به فعالیت نموده است و صرفاً یک بنگاه خدماتی نیست و نقش کارآفرینی اجتماعی را نیز بر عهده دارد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۰). هدف از توانمندسازی، کمک به افراد ضعیف است تا بتوانند بر ضعف‌هایشان غلبه و جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشیده مهارت‌ها و توان‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و آن را در عمل پیاده نمایند (MC Whirter, ۱۹۹۴). وجود کمک‌های سازمان تامین اجتماعی تا حدودی به عدالت اجتماعی کمک می‌کند (زیارتی، ۱۳۷۸). یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین و منابع دسترسی زنان در زمینه خدمات اقتصادی-اجتماعی کافی نبوده و آنان را آسیب‌پذیر می‌سازد. این ساختارها قوانین و منابع شامل سیستم خانواده و سیستم‌های حمایتی است (Fitzpatrick & Gomez, ۲۰۱۱). نتایج یک فراتحلیلی روی ۴۰ پژوهش نشان داده که توانمندسازی زنان و مادران عملکرد اجتماعی و سلامت روانشناختی آنان را بهبود می‌بخشد (Snehendu, ۱۹۹۹). توانمندسازی روانشناختی زنان به ارتقاء کیفیت نقش مادرانه آنان انجامیده و از پریشانی‌های روانشناختی خانواده می‌کاهد (Davis, ۲۰۱۰). دستگاه‌های حمایتی سعی دارند تا با فراهم آوردن زمینه اشتغال برای افراد تحت پوشش امکان خودکفایی آنان را فراهم نمایند که در این میان کمیته امداد به عنوان گسترده‌ترین دستگاه حمایتی در چارچوب طرح (اشتغال و خودکفایی) این هدف را دنبال می‌کند، این نهاد در پی آن است که بر اساس قابلیت افراد تحت پوشش ضمن امکان‌سنجی شغلی، زمینه مناسب را جهت اشتغال و کسب درآمد پایدار برای مددجویان و خودکفایی تدریجی آن‌ها فراهم آورد (خشک‌دامن، ۱۳۸۷: ۱۹).



 امضاء تفاهم نامه
برای اهداء تسهیلات به مددجویان
Isna News Agency Archive

- فعالیت‌های کمیته امداد در زمینه توانمندسازی مددجویان حول چند محور عمده است:
- ۱- ایجاد زمینه لازم به منظور کسب درآمد برای خانوارهای مددجو و مستعد اشتغال.
 - ۲- برنامه ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد مستعد اشتغال.
 - ۳- آموزش فنی و حرفه‌ای برای مددجویان مستعد اشتغال.
 - ۴- کارآیابی برای مددجویان آماده به کار (مرکز برنامه ریزی و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۲: ۱۹).

توجه کمیته امداد به اشتغال‌زایی و کارآفرینی روستایی تا حد زیادی می‌تواند از مشکلات موجود، به دولت یاری برساند و مسیر توسعه را هموار سازد.

توجه کمیته امداد به اشتغال‌زایی و کارآفرینی روستایی تا حد زیادی می‌تواند از مشکلات موجود، به دولت یاری برساند و مسیر توسعه را هموار سازد. بر این اساس ضرورت درک مبحث فقر و بیکاری در مناطق روستایی و نقش کارآفرینی جهت برنامه‌ریزی در اقتصاد روستایی روشن می‌گردد و ضرورت اهمیت مطالعه در این راستا به سادگی قابل تشخیص است. چرا که این مهم می‌تواند گره‌گشای بسیاری از معضلات جوامع شهری و روستایی باشد. توانمندسازی انواع مختلفی دارد. مالهوترا، شش بعد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، قانونی و حقوقی، سیاسی و روانی را در توانمندسازی مدنظر قرار می‌دهد (Malhotra, ۲۰۰۳). اسپریتزر، توانمندسازی را شامل برخی حالت‌های روانی مورد نیاز برای موفقیت آن، در نظر می‌گیرد. این حالت‌های مستقل ولی مرتبط عبارتند از: تأثیر، خودتعیینی، معنی‌داری، رشد حرفه‌ای، استقلال، تصمیم‌گیری، شایستگی، خودباوری و اعتماد (Spritzer, ۱۹۹۵: ۱۴۴۲).

سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام (ره) مسئول حمایت و پرداخت مستمری به زنان سرپرست خانوار هستند. در ایران بیشترین اقدامات حمایتی دولت به منظور گسترش عدالت اجتماعی برای حمایت از اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه به ویژه زنان سرپرست خانوار از طریق سازمان‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی صورت می‌پذیرد و دولت و متولی آن امر همواره در صدد برآمده‌اند با تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و بهره‌گیری از مکانیسم‌های اقتصادی این اهداف و آرمان‌ها را به فعلیت درآورند.

۱. قنبری، یوسف، راضیه، نوری و حسین غفورزاده. (۱۳۹۵)،

«ارزیابی نقش کمیته امداد امام خمینی (ره) در توسعه اشتغال پایدار روستاها»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۱۶، ش ۶۴، ص ۱۱۷-۱۸۱.

۲. کیمیائی، سیدعلی. (۱۳۹۰)،

«شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره یازدهم، ش ۴۰، ص ۶۳-۹۲.



اینجا سینما است!

(نگاهی به فیلم‌هایی با مضمون زنان)



محمد خرازی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی



اینجا سینما است و باید ظرفیت‌ها را شناخت و باید بدانیم چگونه می‌توان روی این پرده نقره‌ای بیانی داشت. آنان که با مانیفست‌هایشان به سینما می‌آیند همیشه از ظرفیت‌های سینما غافل هستند و در عمل موفقیتی را که می‌خواهند کسب نمی‌کنند.

در نمونه فمینیستی اینکه زنی شخصیت اصلی یا قهرمان یک داستان باشد کافی نیست. آنچه لازم است همخوانی تک‌تک عناصر با این هدف است!

در نمونه فمینیستی اینکه زنی شخصیت اصلی یا قهرمان یک داستان باشد کافی نیست. آنچه لازم است همخوانی تک‌تک عناصر با این هدف است نه اینکه با یک داستان زانه همه چیز حل شود. در سینما همه پارامترها حرفی می‌زنند و کسی موفق است که تمام اینها را یک صدا برای بیان هدف و داستانش قرار بدهد. مثال آن در مورد زنان را در سینمای جان فورد ببینیم. هر چند در خصوص بازنمایی زن در سینما به جان فورد کبیر انتقادهایی وارد می‌کنند اما این استفاده از دوربین برای بیان ارزش خانواده را در فیلم «جویندگان» ببینید: «فیلم آغاز می‌شود و از چهارچوب در صحرا را میبینیم و جان وین را که به سمت خانه حرکت می‌کند و اولین فرد را که در کادر می‌بینیم مادر خانواده است، در ادامه مصائبی برای این خانواده رخ می‌دهد اما در نمای پایانی باز ما از چهارچوب امن در خانه به صحرا نگاه می‌کنیم» این نمونه خوبی از بیان یک ارزش با دوربین است بدون دیالوگ‌های طولانی و اضافه‌گویی؛ سینما دقیقا همین است.

«در باره تالی» (به ناچار باید تمام داستان را بگویم تا بتوانیم نگاهی به این فیلم کنیم). «داستان در مورد مادری است که سومین فرزندش به دنیا آمده و فرزند دوم پسری است که اختلالاتی شبیه بیش‌فعالی دارد و همه این‌ها باعث شده او خستگی زیادی را متحمل شود و رفتار او در قبال خانواده‌اش نسبت به گذشته فرق کرده است و زودرنج شده، به او پیشنهاد می‌شود تا پرستاری برای بچه‌ها استخدام کند ولی آن‌ها مشکل مالی دارند ولی در نهایت دختر جوانی به صورت تک‌شیفت به آن‌ها ملحق می‌شود تا به تالی کمک کند و در نهایت فیلم وقتی بچه‌ها خواب‌اند مادر و پرستار جدید با هم سوار ماشین می‌شوند تا کمی اطراف خانه تفریح کنند و تصادفی رخ می‌دهد اما در بیمارستان فقط تالی بستری است! پرستاری وجود نداشت! همه چیز در ذهن تالی می‌گذشت و آن پرستار خیالی همان جوانی تالی بود. دورانی که هنوز با سختی‌های امروز مواجه نشده بود و خاطرات آن روزها تالی را با نشاط کرده بود تا بتواند به کار هر سه فرزندش رسیدگی کند».

این فیلم ساخته ۲۰۱۸ بود و می‌توان آن را در دورانی که فیلم‌ها با ابتذال خانواده مواجه هستند، پسندید. فیلم شعاری نمی‌دهد فقط سختی مادر بودن را نشان می‌دهد و تلاش‌هایی را که یک مادر برای حفظ خانواده و خودش انجام می‌دهد، در این فیلم خانواده و فردیت زن مترادف بود و همین باعث تمایز با روند مرسوم غرب بود. و نشان داد که مرد خانه حتی اگر بخواهد کمکی هم کند توان نقش آفرینی و مدیریت مانند یک مادر را ندارد.



سینمای غرب ابتدا زنان را در حاشیه داستان‌هایش دنبال کرد و بعد تقریباً در دهه ۵۰ متأسفانه به این رسید که زن در سینما را در جهت لذات بصری و فروش گیشه با ارائه سوپرستاره‌های زن قرار بدهد و بعد در پی این سلطه مردانه مبتذل جریان‌هایی شکل گرفت.

و حالا برای برتری بخشی به هویت زن و ابتذال‌های گذشته، در سینما شاهد یک اشتباه دیگر هستیم و آن داستان‌سرایی‌ها و قصه‌گویی‌هایی است تا سعی کند ارزش و استقلال را به این هویت بازگرداند اما چگونه؟! حالا قرارداد بسته‌اند که در سریال بعدی‌ای که برای زور و می‌سازند این بار زور و زن باشد و شخص این نگارنده گمان نمی‌کند با این که بازیگر زور و را یک زن قرار دهیم باید خوشحالی کنیم که به به دارند به مقام زن ارج می‌نهند! تالی آن فیلم ایده‌آلی بود که زن را در نقش مادر قهرمان نشان داد و در این راه نه سلطه‌جویی مردانه را به رخ کشید و نه فردگرایی زن را نابود کرد تا از خانواده بگوید و نه خانواده را تخریب کرد تا زن را ستایش کند.

در پایان اشاره‌ای کنم به یک فیلم ایرانی که همین نگاه ارزشمند را به زنان داشت؛ «ویلایی‌ها» در ویلایی‌ها هم نقش اول زنان هستند، حقیقتاً ما تاریخی غنی از حضور زن داریم اما در بیان آن و تثوریزه کردن آن ضعف به خرج دادیم.

ویلایی‌ها معاصرترین فیلمی بود که حضور زنان در پشت جبهه را به خوبی نشان داد و زن بودن خود کارگردان اثر هم به بیان بهتر و درک ما از داستان کمک کرد. ویلایی‌ها هم زنان را در یک بحران نشان داد و تلاش‌هایی که مجموع این زنان برای ایستادگی مقابل بحران‌های درونی و بیرونی داشتند.

ناموس مرد؛ غیرت مرد!

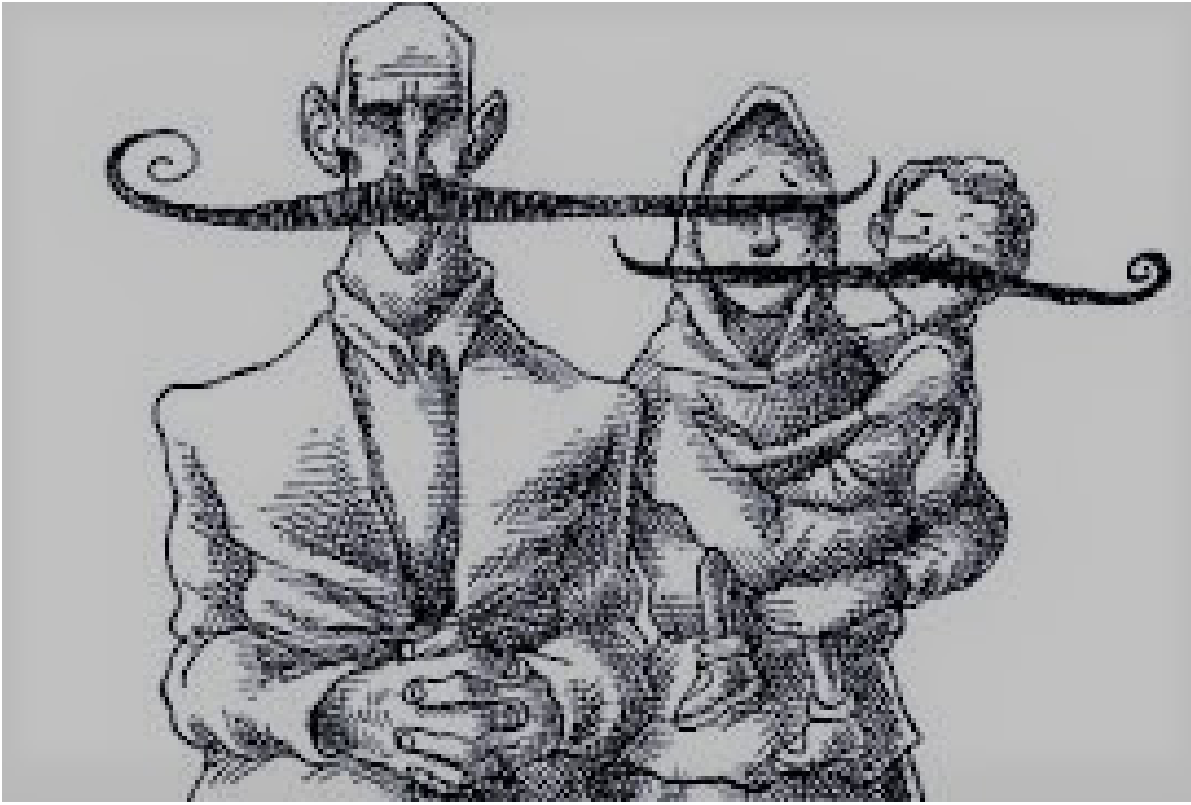


دکتر لیلا حاجی آقایی
دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

می‌خواهیم بدانیم واژه‌ی ناموس که تا حدی هم متداول و معمول در جامعه‌ی ما هست دقیقا چه مفهومی دارد؟!

ناموس در فرهنگ فارسی معین به معنای آبرو، نیک‌نامی، عصمت و شرف معنا شده است. و بطور معمول در فرهنگ سنتی و مذهبی، به جنس مونث گفته می‌شود. دختر، خواهر، مادر، همسر و مانند این «ناموس» نامیده می‌شود (فرهنگ معین). و متقابلا بی‌ناموس، بار دشنام و ناسزایی گویی دارد و در فرهنگ عام بی‌ناموس، مردی است که بر روابط و امور جنسی ناموس‌اش سلطه‌ای ندارد. به بیانی دیگر، ناموس، در واقع یک شیء است. همان‌طور که انسان‌ها از وسایل خود نگهداری می‌کنند و تلاش می‌کنند آن‌ها را از دست دزدان و نامحرمان به اموال‌ها دور نگه دارند، از ناموس خود هم باید نگاهبانی کنند که مبادا دست نامحرمان به آنها برسد. خوب در این نگاه سنتی محور، زن بعنوان یک انسان فاعلیت ندارد و قادر نیست برای روابطش تصمیم مستقلی داشته باشد و نیازمند حمایت و سلطه‌ی مرد هست که در یک جامعه‌ی مردسالار، این وظیفه به مرد از جانب سنت یا خدا داده شده است. به نظر می‌رسد در این گفتمان ناموس محور، شیء‌وارگی زنان و ضعف فکری آنها محوریت دارد و اطلاق ناموس به زنان چیزی جز تخفیف و تحقیر زنان نیست.

به طور کل زن را در فرهنگ مردسالار عمدتاً بر آمده از مذهب، ناموس مرد دانسته‌اند. مرد باید از ناموس خود مراقبت کند یعنی غیرت داشته باشد. در همین فرهنگ است که، قتل ناموسی گزارش می‌شود و در همین فرهنگ است که حساسیت مردان در باره‌ی بدن و رفتار حتی احساسات زن همه بر مرد و غیرت آنان مربوط است (امیرزاده، ۹۳).



قابل ذکر است که در جوامع سنت محور، مشکل از آن جایی آغاز می شود که، ناموس یک امر طبیعی و ذاتی تلقی می گردد و فرهنگ جامعه نیز فرهنگ ناموس محوری را باز تولید نموده و تفکر حاکم بر جامعه محافظت از تمامیت زن است. در چنین جامعه ای که ناموس بر محور محافظت از زن در حکم شیء تلقی شود، نوعی مداخله افراطی و بی توجهی به شخصیت مستقل زن و وجهه انسانی بودن آن است.

در مقابل ناموس، مفهوم غیرت مردانه شکل گرفته است که غیرت مردانه از دیدگاه روانشناسی اضطراب و احساس عمیق دوست نداشتن خود است. و ریشه غیرت عدم اطمینان نسبت به خود و همسر است، نه دوست داشتن. و اگر قانون هم این صفت را به رسمیت بشناسد و به آن پروبال دهد، زمینه توحش را در بستری امن فراهم کرده است. غیرت مرد نسبت به دختر، خواهر، مادر هیچ دلیل بیولوژیک و درونی ندارد و تنها از محیط یاد گرفته شده است (مشیرزاده، ۱۳۸۲). و غیرت همان ضعف و بی اعتمادی و احساس تملک انسان به انسان است و آنقدر با واژه هایی مانند شرف، مردانگی، آبرو تداعی شد که مفهومش تغییر کرده است. و حتی مرد بی غیرت یعنی مردی که احساس مالکیت به زن ندارد، در طنزهای سیستمی بسان سیب زمینی تشبیه شده است و مورد تحقیر قرار می گیرد.

به نظر می رسد باید به لحاظ فرهنگی، واژه های ناموس و غیرت را از اذهان و قوانین سرزمین مان حذف کنیم و اجازه ندهیم قتل های ناموسی، نزاع های خیابانی، خشونت، ظلم و سرکوب بصورت قانونی و نهادینه اتفاق افتد.

البته در مورد غیرت، نباید با پیش فرض متعارف که مرادش دفاع مشروع و با روش عقلانی و متناسب و اخلاقی در مورد ظلم و مزاحمت نسبت به زنان است را نادیده بگیریم یا دفاع مشروع از میهنی که تحت اشغال دشمن در آمده است.

غیرت می تواند بسان رفتار متمدنانه اخلاقی مدبرانه در خصوص دفاع از زنی تحت ستم و مزاحمت باشد یا سرزمینی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

اگر نتوانیم بار معنایی ناموس و غیرت را بصورت عالمانه شرح و تفسیر کنیم، بطور چشمگیری در جامعه شاهد اتفاقات ناگوار خواهیم بود. مادر عالمی زندگی می کنیم که هر روز خبری ناموسی می پیچد. پدری دخترش را با داس کشت. برادری با تحریک مادر، خواهرش را دفن کرد. در این تراژدی هولناک که زنان را ابژه غیرت می کنند و بسان ناموس در حد مراقبت، ما شاهد نوعی از انحراف شخصیتی هستیم که مردان و زنانی نا آگاه عملکرد افراطی خودشان را با انواع خوانش های دلخواهی، پشت مفاهیم فرهنگی و دینی اخلاقی موجه می سازند. باید با آگاه سازی جامعه به سمتی حرکت کنیم که زنان بسمت سوژه گی حرکت کنند نه شی واره گی و بتوانند چگونه رفتار کرده و اصول از خود مراقبتی را در تمامی ابعاد روانی، عاطفی، جنسی و جسمی را مسلط باشند.

اگر چه گاهی جامعه مردان ناموس را به مثابه عشق و حفاظت از آن معنا می کنند که باید اذعان نمود عشق از مقوله ناموس جداست و عشق ربطی به ناموس ندارد و در فرهنگ ایرانی صدای غیرت در جامعه یعنی محافظت از زن و صدای ناموس به معنای آبرو خود را جای انداخته است. با اندکی تامل می توان فهمید که این زبان پر از ارزش های ارتجاعی، بلای جان است.

زبان روزمره ای که شرافت و انسانیت و وجدان و اخلاق را تحت عناوینی چون آبرو، غیرت، ناموس، تقدیس باکره گی مطرح می سازد، می تواند بر کمیت و کیفیت آسیب های اجتماعی اثر گذار باشد.

۱. معین، محمد. (۴)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر

۲. امیری نژاد، حسین. (۱۳۹۳)،

بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر قتل های ناموسی در استان خوزستان، پایان نامه کارشناسی ارشد.

۳. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۲)، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: انتشارات شیرازه



گفت و گو با توحید رضایی



وکیل پایه یک دادگستری

عضو کمیسیون علمی کانون وکلای دادگستری قزوین

شما شرایط حقوقی و قانونی کشور را نسبت به زنان چگونه می بینید؟

اساساً تفاوتی بین حقوق زن و مرد وجود ندارد. البته غیر از یک سری موضوعاتی که در حوزه حقوق کیفری و خانواده وجود دارد. به عنوان مثال در حوزه کسب و کار، اگر یک زن بخواهد شغلی را آغاز کند اگر محدودیتی از طرف خانواده اش وجود نداشته باشد، قانون هیچ محدودیتی را بصرف زن بودن برای صدور مجوز برایش قائل نشده، ولی وقتی به سراغ حقوق خانواده و حقوق کیفری می آییم. یک سری تفاوت ها بین حقوق زن و مرد هست. وقتی زن ازدواج می کند یک سری حقوقش را از دست می دهد، به عنوان مثال حق ریاست خانواده با مرد است و زن با توافق هم نمی تواند این حق را برای خودش داشته باشد و یا بحث حضانت از فرزند و اشتغال و مسافرت و یا در حقوق کیفری و مدنی دیه و ارث زن و مرد با هم تفاوت دارند. البته این موارد قابلیت اصلاح دارند و هیچ محدودیت شرعی و قانونی هم ندارد. به عنوان مثال در حوزه حقوق خانواده زنان برای اینکه بتوانند حقوق خود را حفظ کنند می توانند با کسی که ازدواج می کنند توافق کنند، اگر توافق صورت بگیرد قانون گذار محدودیتی برای توافق قائل نیست. یعنی قانون گذار می گوید زن می تواند حق تحصیل داشته باشد، حق کار، حق مسافرت و حق طلاق. هر زمان که قصد دارد از همسرش جدا بشود و مهریه هم بتواند دریافت کند یعنی این اختیار برای افراد وجود دارد.

بطور کلی می توان پاسخ داد وضعیت حقوق زنان در کشور ما چندان مطلوب نیست ولی به سمت و سوی خوبی دارد پیش می رود و آینده روشنی می تواند داشته باشد البته بستگی به فعالیت افرادی که در حوزه های مختلف کار می کنند هم دارد و اینکه چه میزان مطالبه وجود داشته باشد.

آیا خود و کلا و آنهایی که در عرصه حقوقی فعالیت می کنند، فعالیت خاصی برای آگاهی بخشی به زنان در مورد حقوقشان انجام داده اند؟

طبیعتاً حوزه کاری و کالت را باید با حوزه فعالیت های اجتماعی جدا بدانیم. و کالت یک حرفه است و طبیعتاً افرادی که دارند در این حرفه کار می کنند شاید خیلی هایشان دغدغه این موضوعات را نداشته باشند. بیشتر به دنبال کار حرفه ای خود باشند. کسانی که در این حوزه حرف می زنند و فعالیت می کنند شاید یک دغدغه اجتماعی دارند اما دانشگاهیان و اساتید رشته حقوق همیشه در حوزه این موضوعات فعالیت می کنند.

الگوهای در کل دنیا هستند که روابط بین زن و مرد را باید منطقی مدیریت کنند. چه رابطه جنسی چه مالی و... برای آنها قاعده می گذارند، مثلاً در کشورهای دیگر اگر خانمی گزارش کند که همسر او بر خلاف میل او با او رابطه برقرار کرده است این جرم است.

و کلا و دانشگاهیان در این حوزه چه کارهایی انجام داده اند؟

ما هم یک سری محدودیت های خود را داریم. یک سری محدودیت های صنفی، اجتماعی و اقتصادی. ما در این حوزه نیازمند ساختارهای مردم نهاد و گاهی وابسته به دولت هستیم که در این حوزه ها به صورت جدی فعالیت کنیم. آگاهی بخشی توسط افراد جامعه هست توسط نخبگان است، ولی مطالبه خواهی ها باید توسط جامعه باشد. تکلیف چی هست آیا خوبه یا بد؟

الگوهای در کل دنیا هستند که روابط بین زن و مرد را باید منطقی مدیریت کنند. چه رابطه جنسی چه مالی و... برای آنها قاعده می گذارند، مثلاً در کشورهای دیگر اگر خانمی گزارش کند که همسر او بر خلاف میل او با او رابطه برقرار کرده است این جرم است. یعنی چهارچوب گذاری کرده اند و یک قاعده ای وجود دارد.

ما امروزه در جامعه خودمان، یکی از دلایلی که خانم ها مهریه بالا در نظر می گیرند فارغ از نگاه سنتی و... می آیند در مقابل حق طلاق مهریه بالا در نظر می گیرند و در بسیاری از مواقع شاید نخواهند مطالبه کنند و آسیب های متعددی برای خانواده ها به همراه آورند و بعد انتظار داشته باشیم که نخبه های جامعه افرادی که دغدغه مند هستند باید اول خودشان به یک جمع بندی برسند که می خواهند اصلاحات را چگونه در جامعه پیاده کنند و بعد آن را در اختیار افراد قرار بدهند. اگر افراد فاقد یک تئوری منسجم باشند این کمی ترسناک است زیرا وضع جامعه را به سمت آنارشی بی نظمی می برد و مورد قبول نیست.

در بعضی از خانواده‌ها مشاهده می‌شود که زن از حقوق خود آگاهی دارد ولی زمانی که بحث طلاق پیش می‌آید زن از مهریه و حق و حقوق خود می‌گذرد که بتواند به راحتی طلاق بگیرد، آیا این به این معناست که بعد از دواج یک‌سری محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود؟ آیا این ناشی از آن است که ما برای قوانین ضمانت اجرای محکمی نداریم؟ یا همین پروسه بلند مدت است که زنان را به این سو می‌برد که از حقوق خود بگذرند برای اینکه بتوانند راحت طلاق بگیرند؟

رویکرد ساختار قضایی و سیاست کلی کشور این است که برای نهاد خانواده بسیار ارزش قائل است و رویکرد کلی آن این است که می‌خواهد آن را حفظ کند ولی خب نکته ظریف این است که به چه قیمت می‌خواهد خانواده را حفظ کند. سیستم قضایی کشور می‌گوید اگر خواستید از همسر خود جدا شوید موظف هستید چند جلسه مشاوره را بگذرانید و معمولاً این مشاوره‌ها آن نقطه‌ای است که ۲ طرف تصمیم خود را گرفته‌اند. من به عنوان یک وکیل به صراحت می‌گویم که مقدار بسیار کمی پرونده داشته‌ام که طرفین بعد از مشاوره به این نتیجه رسیده‌اند که فرصت دیگری به هم بدهند. این معضل برای آقایان کمی راحت‌تر است یعنی اگر مرد حقوق مالی زن را پرداخت کند محدودیتی برای طلاق برایش وجود ندارد، حتی اگر بخواهد پرداخت کند می‌گوید فعلاً نمی‌توانم پرداخت کنم و بصورت قسطی پرداخت می‌کند اما کار برای زنان در صورتی که حق طلاق نداشته باشند و شرط ضمن عقد برایشان محقق نباشد سخت خواهد بود.

در جامعه یک‌سری کارها با عنوان مردانه و زنانه تلقی می‌شود حالا چه صحیح و چه غلط بحث ما ارزش‌گذاری نیست. آیا می‌توان در قوانین هم همین را احساس کرد و از لحاظ حقوقی زن‌ها را از وارد شدن به یک‌سری از مشاغل محدود کرد؟

این موضوع یعنی وجود محدودیت‌ها به صراحت در قانون نیامده است و زنان می‌توانند متصدی امور شغلی مختلفی شوند اما برای یک‌سری شغل‌ها بصورت جزئی یک‌سری موارد این‌چنینی مطرح است ولی به لحاظ اینکه قانون‌گذار تصمیم بگیرد که برای شغلی فرد حتماً مرد باشد محدودیتی در نظر گرفته نشده اما در یک‌سری جاها ممکن است اعمال سلیقه بشود. شاید یک دلیل این است که ریاست و امور اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و باید شغلی داشته باشد با توجه به اینکه شما تکلیفی را برای فرد در نظر می‌گیرید که مثلاً نفقه بدهد در حالی که زن متاهل هیچ تکلیفی ندارد. پس اگر تبعیضی هست شما باید ببینید دلیل این تبعیض چه هست. در مقابل فردی که به عنوان مرد شغل ندارد نمی‌تواند تشکیل خانواده بدهد.

آقای رضایی شما فرمودید که در تدوین قوانین این مساله را نداریم ولی شاید قوانین نانوشته مثل اعمال سلیقه که یک زن و مرد در مشاغل مشابه کار کنند خانم از مزایای کمتری بهره ببرد و برخی می گویند که قانون از ما دفاع نمی کند راهکار چیست؟

ببینید اگر یک زن کارگر باشد باید تمام حقوقی که یک مرد کارگر از آن برخوردار است برخوردار بشود. اگر خانمی یک قرارداد کار تنظیم کند، کارفرما موظف است تا حقوقی که به یک مرد می دهد پرداخت کند. اما زنی که چنین صحبتی دارد حالا به دلیل عدم کارایی یا عدم آگاهی مبلغ کمتری به او پرداخت می شود و خیلی بدتر مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرد. اما به طور کل در قانون حقوق برابر وجود دارد و این مسائل برخلاف قانون است که اتفاق می افتد.

احساس نمی شود که ما ضعف در ضمانت اجرا داریم که این جسارت را به کارفرما می دهد؟

بله، ضمانت اجرا به آن شکل وجود ندارد و این ضعف در حوزه قانون کار قطعاً وجود دارد.

این ضعف هایی که در بحث کار هست باعث می شود بعضی زنان مورد بهره کشی جنسی قرار بگیرند، می خواهیم وارد حوزه روسپی گری شویم. می خواهیم بدانیم در رابطه با این مسئله چه تدابیری اندیشیده شده؟ اصلاً در قوانین ما به روسپی گری اشاره شده یا خیر؟ و اینکه بیشتر حمایت کننده هست یا اینکه به دلیل کمبود ضمانت اجرا فرد کشیده می شود به سمت روسپی گری. چون در جامعه وقتی رابطه جنسی نامشروع برقرار می شود بین زن و مرد، زن بیشتر قربانی عواقب می شود و انگار که مرد مقصر نیست. آیا در قوانین چنین چیزی داریم یا خیر؟

اساساً در قانون تعریفی از تن فروشی نداریم و صرفاً به روابط نامشروع طرفین اشاره شده. و اینکه ممکن است این روابط در قالب ساختاری سازمان یافته باشد که فساد را ترویج بدهد. یا معرفی اشخاصی به اشخاص دیگر باشد (قوادی). قانون گذار تن فروشی را در ردیف شغل در نظر نمی گیرد و صرفاً برای موارد نام برده شده مجازات در نظر گرفته.

اینکه از روسپیگری تعریف خاصی نشده آیا این مثبت هست یا منفی؟ حالا که تعریفی نداریم اگر برایش بخواهیم یک حکمی ببریم از روی چه معیاری این اتفاق می افتد؟ آیا هر کس می تواند برداشت خودش را داشته باشد؟

رابطه نامشروع مجازاتش مشخص است. اما اینکه از روسپی گری تعریفی ارائه نشده مثبت است یا منفی، شاید نمی خواهند به آن رسمیت بدهند.

خیلی ساده است، دو نفری که زوجیت بین آن‌ها وجود نداشته باشد و هرگونه رابطه فیزیکی از قبیل لمس و... بین آن‌ها شکل بگیرد.

اگر این رابطه شرعی باشد ولی رسمی نباشد چطور؟

تحت عنوان رابطه نامشروع قرار نمی‌گیرد، مثلاً امکان دارد یک خانمی موانع ازدواج برایش وجود نداشته باشد بیاید با یک آقا حتی به صورت شفاهی با هم توافق کنند که مثلاً ازدواج موقت کنند که این قانونی هست، اگر بگویند ازدواج دائم، قانون‌گذار برایش جرم در نظر می‌گیرد در صورتی که ثبتش نکنند.

حالا فرض کنید یک خانم و آقای رابطه‌ای داشته‌اند، حالا گرفتند و برده‌اندشان

یک جایی که اینجا باید بگویند ما رابطه‌مان مشروع است ولی رسمی نیست. آیا

کسی که دارد قضاوت می‌کند و می‌خواهد حکمی ببرد به زن از این نظر که یک

کار خیلی بد و زشت انجام داده نگاه می‌کنند وقتی یک چیز عرفی، عقلانی و

شرعی اتفاق افتاده آیا مشکلی نیست؟

ببینید طبق قانون، اساساً دادسرا، پلیس حق ورود به رابطه نامشروع افراد را ندارد. یعنی به فرض این که ۲ نفر را می‌گیرند، و پرونده باید برود دادگاه اگر آن ۲ نفر در دادگاه بگویند که ما مثلاً ازدواج موقت داشته‌ایم، طبیعتاً رابطه مشروع و نه مشمول مجازات می‌شود نه کیفری خواهد داشت. ولی اگر یک طرف بگوید که نه نامشروع بوده، مشمول مجازات می‌شود درحالی که شخص دیگر که گفته مشروع است آزاد می‌شود.

آیا به نظر شما نیاز داریم که یک ارگان وجود داشته باشد که به عده‌ای دستمزد

بدهند و بگویند که شما موظفید مردم را آگاه کنید؟ (از طرف دولت)

من بعید می‌دانم که دولت چنین کاری انجام بدهد. بهر حال ما ظرفیت‌های عظیم تری مثل شبکه‌های مجازی و صدا و سیما را داریم که می‌توانند آگاهی بدهند. شما ببینید دنبال کننده‌های یک صفحه مفید چقدر است و یک صفحه زرد چقدر دنبال کننده دارد. به این هم بستگی دارد که مردم آگاه شدن از این مسائل را دوست دارند یا خیر.

گفت و گو بالهه موالی زاده



جامعه‌شناس و فعال حقوق زنان

مدرس دانشگاه ایرانی، شهردار سابق اهواز

مصاحبه برای نشریه فراسو انجام خواهد گرفت، اولین سوال من از شما به عنوان یک فردی که در زمینه زنان فعالیت و تجربه چندین ساله در این زمینه دارید این است که در حال حاضر و سال‌های اخیر به نظر شما اصلی‌ترین مشکل زنان ما در جامعه ما چیه؟

یکی از معضلات بسیار جدی خانم‌ها مسائل حق و حقوقی هست که در جامعه درست بهش پردازش نشده یا اگر بهش پردازش شده حق مطلب ادا نشده. من مثالی که الان می‌تونم بزنم برای انتخابات شوراها افراد بسیار بی‌شماری از گروه‌های مختلف زنگ می‌زنن که شما به ما یک یا دو خانم را معرفی کنید برای شورای شهر؛ میگم چرا یک یا دو خانوم؟! اگه شورای شهر اهواز ۱۶ تا عضو داره چرا از من درخواست ۶ تا خانم ۷ تا خانم نمی‌کنید؟ این خودش یک نوع اجحاف اجتماعی است نگاه می‌کنیم از یک طرف می‌بینیم که حضور خانم‌ها در دانشگاه‌ها داشتن مدارج علمی در تمام رشته‌ها یک در واقع آماری که گفته میشه بین ۶۴ تا ۶۷ درصد نوسان داره خوب اگر خروجی اینه پس چرا ما حضور زنان تحصیل کرده و متخصص رو نمی‌پذیریم؟ چرا به زنان این فرصت داده نمیشه که با توجه به داشتن جایگاه‌های علمی، تجارب اجرایی هم کسب کنند. یک خانم هم باید استقلال مالی داشته باشه فقط بحث شغلی و مالی مطرح نیست، بحث در واقع ارزش اجتماعی که برای فرد قائل میشیم.

من قبول دارم که حتی در بین آقایون هم اشتغال نوعی رانت است نوعی پارتی بازی ولی اگر برای آن‌ها مثلاً ۷۰ درصد شانس وجود داره برای خانم‌ها هم شاید ۲۰ درصد وجود داشته باشه. فشارهای اقتصادی طبعاً روی خانواده تاثیر می‌گذاره و باز هم زنان رو آسیب پذیر میکنه. ما یک مطالعه‌ای را با همکاری اداره کل دادگستری انجام دادیم در بین زنان زندانی در زندان کارون شهر اهواز. ۹۵ درصد این‌ها از طبقات اجتماعی و تحصیلات پایین بودند و جرایمی را مرتکب شدند که عامل مردها بودند مثل قاچاق مواد مخدر مثل تبدیل پول کردن و باز کردن حساب بانکی به اسم زن‌ها، که در واقع این پول‌ها بره حساب یک خانم کاملاً بی‌سواد با چند تا بچه به و اون خانم به علت فقر مالی حاضر میشه این پول بیاد تو حسابش که مثلاً یک در هزارمش به این تعلق بگیره. این انحرافات اجتماعی دامن زنان را می‌گیره. ضمن اینکه آسیبی که زن‌ها در این انحرافات اجتماعی مبتلا می‌شند به مراتب سنگین‌تر از آن چیزی است که در مردها ایجاد میشه. من براتون مثال میزنم مثلاً در بحث انحرافات اجتماعی به تمام حق و حقوق انسانی اقتصادی و حتی مادری زن‌ها گرفته میشه زنی که دچار در واقع مبتلا به جرم بشه حق نفقه نداره، قانونی که میگه نصفی از دارای مرد برای زن هست از بین میره، حق حضانت از بین میره همچنین همسرش می‌تونه بدون اجازه از زن اول، زن دوم بگیره و این انحرافات اجتماعی که خودش معلولی بوده، علتی میشه، علت همون در واقع فقر و مشکلات اقتصادی که بیشتر از همه گردن کیو می‌گیره؟ زن‌ها را می‌گیره، و این‌ها واقعا چیزهایی که به طور واقعی امروز در جامعه وجود داره. بحث قاچاق زنانه که بعد جهانی داره، بحث اعتیاد زنانه و همه این‌ها به خاطر فشارهای اقتصادی و نتیجه این می‌تونه آسیب‌های مختلفی رو در کل ساختار خانواده و تاثیرش بر روی فرزندان داشته باشه.

چند درصد زنان ما امروزه سرپرست خانوار هستند و وضعیت زنان سرپرست خانوار

ما چگونه است آیا حمایت می‌شوند یا خیر؟

آماري که من می‌دونم زنان سرپرست در استان خوزستان بسیار بالاست بالاترین پوشش افراد بهزیستی و کمیته امدادی در خوزستان است نسبت به کل کشور حال اینکه زنان سرپرست خانوار حمایت می‌شوند این نسبی است و اگر بخواهیم بگویم تامین می‌شود زندگی آن‌ها یک تعارف زشت است چون واقعاً با این وضعیت اقتصادی این مقدار کمک‌های مالی که دولت به این‌ها می‌دهد بسیار کم است مگر زنان شاغل که در واقع زنان سرپرست شاغل با حقوق ثابت باشند شاید بتوان این را در واقع به سامان برسانند اما تنها بودن یک زن یعنی تک محوری بودن مدیریت خانواده طبیعتاً اشکالات و عوارض و مشکلات جانبی خودش را دارد. حالا اینکه این زن چقدر آسوده بتواند زندگی کند در جامعه مشخص بشود که یک خانمی تنهاست و همسر ندارد تعارف است

اگر بگوییم که آزادانه می‌تواند فعالیت داشته باشد و متأسفانه مردان کمی نیستند که در مقابل این خانم‌ها کمین کنند و برای شان مشکلات و مسائل جانبی را به وجود بیاورند و معتقدم زنان خیلی امنیت اجتماعی ندارند.

بله درسته خیلی ممنون خانم دکتر اگر صحبت تون ادامه نداره من برم سراغ سوال بعد؛ مثالی که در رابطه با زندان زدید کاملاً مربوط به سوال دوم بنده هست اینکه لطف کنید در رابطه با نحوه ورود به پژوهش در رابطه با زنان جامعه ما و اینکه تا چه حد ما اصلاً می‌تونیم به این حوزه وارد بشیم و آیا توی همه زمینه‌ها و مسائل مربوط به بانوان میشه به راحتی پژوهش انجام داد یا نه؟

ببینید پژوهش‌ها قاعدتاً چارچوب‌های خاصی دارند یک‌سری پژوهش‌ها عام هستند مثل این که مثلاً ما در دانشگاه هر ساله با تفاوت‌های ورودی‌های دانشگاه این را مطالعه کردیم مثل دیدگاه دختران و پسران نسبت به ازدواج؛ یا گپ بین جوانان و خانواده؛ یا دیدگاه زنان تحصیل کرده شاغل و دیدگاه زنان تحصیل کرده غیر شاغل؛ این‌ها عام هستند و از نظر مطالعاتی محدودیت ندارند. ولی یک‌سری مطالعات خاص هستند مثل تاثیر بحث اقتصادی و فرهنگی بر روی کارکرد اجتماعی زنان و یا دیدگاه زنان تحصیل کرده نسبت به شغل؛ دیدگاه مدیران نسبت به اشتغال زنان. اینها خوب محدودیت‌هایی دارند. یا مثلاً همین بحث علل جرم و جنایت در بین زنان خوزستان که هرگز چاپ نخواهد شد ولی خوب در بحث‌های آکادمیک از اون استفاده می‌شه. به طور کلی مشکل مطالعات دانشگاهی این است که نه در ادارات و سازمان‌ها به عنوان یک منبع اطلاعاتی ازش استفاده می‌شود و نه ساز و کار اصلاح رفتار اجتماعی برای جامعه استفاده میشه.

شما آموزش رسمی همگانی و غیررسمی ما را در جامعه نسبت به بانوان چطور تفسیر می‌کنید؟

ما در این بخش دچار دوگانگی هستیم کاملاً نظام آموزش و پرورش ما ما از مهد تا آخر دانشگاه منحصر می‌شود به محفوظات‌ای که هم محدود و هم مطلوبند و طبیعتاً فراگیر نیستند. بیشتر آموزش ما تئوری هستند و عملی نداریم در حالی که در بخش آموزش کسب تجربه و استفاده از آزمایش‌ها در رشته‌های تخصصی لازم هست. یه وقتی می‌گفتند درجه هوش الان می‌گویند، قدرت تعاملات اجتماعی و خلاقیت و ادراک پیرامون. الان دلیل این که دنیا بچه‌های ما را می‌طلبه، دلیلش این است که بچه‌های ما اندوخته تئوری هستند و این‌ها با یکم کار تجربی از شون یکم نخبه می‌سازند. پس آموزش رسمی ما ناقص هست. متأسفانه انقدر که روی محفوظات تلاش می‌شود روی درک اصلی مفاهیم تلاش نمی‌شود در بعد غیررسمی که ما مثلاً توی صداوسیما را می‌بینیم و در نهایت شبکه‌های اجتماعی هستند که اطلاعات ما را بیشتر می‌کنند.

آیا آموزش مسائل جنسی و پیشگیری از تجاوز و ازدواج زودرس در ارگان‌های

دولتی و یا غیر دولتی ما وجود دارد؟

نه تنها در این جاها وجود ندارد در خانواده‌ها هم وجود ندارد. یکی از مشکلات عمده جوانان ما عدم انتقال بسیاری از حقایق است که در جامعه وجود دارد و هیچ کس انتقال نمی‌دهد. در مورد مسائل جنسی من بسیار موافق تدریس این درس در دانشگاه‌ها هستم. این مسئله را نگاه کنید، یک مادر زمانی که دخترش و یک پدر زمانی که پسرش می‌خواهد ازدواج کند آن قدری که دنبال این است که لباس عروس چه باشد هیچ وقت با فرزندش درباره این مسئله حرف نمی‌زند. بچه‌های ما عمده اطلاعات را از طریق دوستان‌شان یا احیاناً کتبی پیدا بشود که بخواهد حالا به صورت پنهانی مطالعه بکند.



بله مهم‌ترین تأثیرش این است که در واقع هر دوی این‌ها با ناآگاهی وارد زندگی می‌شوند که روند زندگی را تحت تأثیر قرار داده، این‌ها آن مشکلاتیست که جوانان ما دارند. واقعاً نه آزاداند که آزادانه رفتار کنند تا خودشان به یک تجربه برسند و نه اینکه به آن‌ها آموزش می‌دهند و بعد می‌گویند چرا آمار طلاق بالاست که متأسفانه در سال‌های اخیر مسائل جنسی، از سه دلیل اصلی طلاق بود و در سال ۹۶ که اول بود. شاید خانواده بگوید که اصل زندگی باید خوش باشید ولی من می‌گویم اصل زندگی خیلی سخت است. زیرا دوتا آدم متفاوت با دو خانواده متفاوت با دو فرهنگ متفاوت می‌خواهند یکی شوند. برای مثال مثلاً قطاری که از اهواز می‌خواهد برود تهران در راه باید چقدر کوه و تپه را پشت سر بگذارد بالا و پایین بشود تا برسد تهران.

متأسفانه نگاه مردسالار جامعه ما نسبت به حضور زن‌ها، مانع ظهور استعدادهای واقعی زن‌ها شده!

آموزش همگانی و آموزش مسائل جنسی می‌تواند این‌چنان‌مود پیدا کند؟

خیلی از نهادها هستند مثل خانه بهداشت که می‌توانند کلاس‌های خصوصی برای زنان و دختران به طور جداگانه ایجاد کنند و این آموزش‌ها را برای زنان انجام بدهند مشکلی ندارد در صورتی که بخواهند خواستن از طرف مسئولین ما حدود ۶۴ نهاد فرهنگی داریم تمام ادارات و سازمان‌ها بودجه فرهنگی دارند که حداقل برای جلوگیری از آمار بالای طلاق می‌توانند این کلاس‌ها را دایر کنند که آگاهی افراد را بالا ببرند.

شاخص‌های توسعه که زنان می‌توانند در آن‌ها نقش‌های موثری داشته باشند چه

شاخص‌هایی هستند و این شاخص‌ها در جامعه در کشور ما در چه وضعیتی قرار دارد؟

من معتقدم اول باور خود زن‌ها به توانایی خود عامل است. متأسفانه جامعه ما یک جامعه مردسالار است و شما مقایسه کنید جامعه ما را... من رفته بودم اوگاندا کشور آفریقایی باور کنید نوع راه رفتن زن‌های شان محکم‌تر از زن‌های ما بود. در تمام پست‌ها در تمام مشاغل مدیریتی و جایگاه‌ها زن‌ها وجود داشتند. متأسفانه نگاه مردسالار جامعه ما نسبت به حضور زن‌ها مانع ظهور استعدادهای واقعی زن‌ها شده. زن‌ها هم خود متأسفانه باورهایشان را تقویت نکرده‌اند. بسیاری از این‌ها را پذیرفته‌اند تا می‌آیی حرف بزنی می‌گویند فمینیستی! فمینیسم تاریخ‌اش جایگاهش با جامعه ما قابل مقایسه نیست. ما اگر حرفی می‌زنیم در حداقل حقوق است. حتی در آموزش هم همه چیز با باباست! بابا نان داد، بابا آمد.

سقف شیشه طبق تعریف تئوریکی که دارد این است که برای هر فردی یا گروه خاصی یک چهارچوب مشخص تعیین می کنند و می گویند شما از این خط قرمز نباید بروید بیرون و این درونی می شود برای افراد خاص و اینجا منظور ما منظور ما بانوان است که آن ها برای خودشان محدوده ای مشخص کرده اند که نباید پایشان را از آن بیرون بگذارند. می خواستم بپرسم این سقف شیشه ای در جامعه ما در چه شرایطی قرار دارد؟

این محدودیت از دوران طفولیت دختران در خانواده ها ایجاد می شود دختر نباید بلند بخندد. دختر نباید پایش را دراز کند، دختر که نباید انقدر زبان دراز باشد! شروع می شود در مدارس تقویت می شود و بعد در جامعه مستحکم عمل می کند. بله ما این سقف های شیشه ای را داریم اگر هم بخواهیم باور کنیم که مقداری دارد ترک می خورد، نخیر هنوز هیچ ترکی نخورده. به جیتی که هنوز هیچ مقاومتی در مقابل این چارچوب ها از طرف زنان مشاهده نشده و نمی شود تا روزی که زن ها واقعا به حقوقشان آگاه شوند. حتی اگر آگاه شوند هنوز مردان از موضع قدرت خودشان برای کمرنگ کردن اینها هیچ تلاشی تلاشی نمی کنند. شما نگاه کنید در بحث حجاب همش گفته می شود که زنان حجابتان را رعایت کنید. مردان را تحریک نکنید! به عقیده من این اهانت به مردان است که مردانقدر موجود ضعیفی است که در مقابل کوچک ترین تحریک زن نمی تواند خود را کنترل کند. ولی چه کسی باید این کنترل را داشته باشد؟ زن باید انجام بدهد و طوری عمل کند که خدایی ناکرده مرد به گناه نیفتد؟ نه اصلاً به عقیده من این چارچوب ها کمرنگ نشده است...

در مشارکت های اجتماعی مردان ما حضور زنان را نپذیرفتند و زن های ما هم در مقابل این مسئله خیلی استقامت بخرج نمی دهند.

شرایط زنان را در رابطه با سایر جوامع چطور مقایسه می کنید؟

ما از نظر حضور اجتماعی از همه جوامع پایین تریم. زنان کویت، عمان، عربستان و یا دبی تا قبل از انقلاب ایران کمترین امتیاز اجتماعی را داشتند. حق رای در کویت نبود. در عربستان، چند سال اخیر یک مقدار امتیاز داده شد ولی ما متأسفانه امتیاز حضور اجتماعی را خیلی به زن ها نمی دهیم. چه انتخابات ریاست جمهوری چه شوراها و... چه خبرگان رهبری. در صورتی که برای همه این ها ما کاملاً زنان شایسته داریم، بله خب ما حضورمان در دانشگاه ها زیاد هست. خب همه جای دنیا همین هست ولی در مشارکت های اجتماعی مردان ما حضور زنان را نپذیرفتند و زن های ما هم در مقابل این مسئله خیلی استقامت بخرج نمی دهند.

به عنوان جمع بندی پیشنهادی برای بهبود دارید؟

من امیدوارم که یک روزی زنان حق و حقوق خود را بشناسند و برایش تلاش کنند. امیدوارم خانواده‌ها در پرورش استعداد اجتماعی دختران‌شان روش‌هایشان را عوض کنند. امیدوارم جامعه بپذیرد که زن هم می‌تواند یک رییس جمهور باشد. من امیدوارم زنان هم مادران خوبی باشند و هم در اجتماع موفق باشند، تا زمانی که زنان به این باور نرسند توقع نداشته باشند که آقایون حق و حقوق‌شان را بهشان بدهند.

برای این آگاهی چه منشأی در نظر دارید؟

بهر حال راه‌های مختلفی هست، اما اول اینکه خود فرد بخواهد و به آگاهی برسد و وقتی انگیزه باشد راه‌های خودش را می‌تونه پیدا کنه.

** ممنون از اینکه وقت گذاشتید و باما همراهی کردید. موفق و پیروز باشید.

ما نمی‌خواهیم بگوییم که زنها به ادارات نروند و هیچ‌کس هم نمی‌گوید این حرف را، زنها یک عضو فعال اجتماع ما هستند. بخصوص زنهاى ما در چنین مرحله‌ای از انقلاب که واقعاً من وقتی که از زندان بیرون آمدم، همه قشرها بخصوص زنهاى ما، آنطوری که به چشم من آمد، خیال می‌کردم اینها یک زنهاى دیگری غیر از زنهاى سه سال و چهار سال قبل هستند، یا کسان دیگری هستند، یک فرشته‌های پاک و پرمسئولیتی هستند که اینطور با همان روسری و چادرشان مشتها را گره کرده‌اند مثل شیر در خیابان فریاد کشیدند و در مقابل رژیم ایستادند، کشته دادند، و انقلاب را اینها به ثمر رساندند.

آیت‌الله طالقانی

انتقادات و پیشنهادات خود، دربارهٔ این شماره از نشریهٔ
دانشجویی فراسو را با ما مطرح کنید.

ارتباط با دبیر انجمن
akbarshojaeif@gmail.com

انجمن در شبکه‌های اجتماعی
[@socialogy_ikiu](https://www.instagram.com/socialogy_ikiu)

